

ولی ماشومان خواره نه خوری

دماشوم لپاره نه پیوایی دهنهه نمودن لنوی والی ته کنه نه گوی نه
بلی خواهنه خان نور فکر گوی او نور خه نه خوری به داسی
حال گتی ماشوم گوجینی یا خوار گیری
دنور چیخینو خورل لکه پیسکوت، شکلات، راولی، داشنی،
جیس او داسی نور نور چه په خواشینی سره نس صباح دهنه پلورون
دیر شوی هم ذی، دماشومانوی بی اشتیهالی گتی ستره اخحره
کوی، خریکه جی پوشکلات او نورشان چه مو سخکی و واپلت
خواسته دماشوم اشتیها له منخه وری.

جور شوی او نیاز خواره چه یه بازار گتی پلورل گیری او
خینی میندی دماشومانو لپاره دهنه خخه استناده گوی هم
دماشوم به نه خوروکی بهه اخیزه گوی خکه دا خواره له هفو
خواره سره چه په کور گتی پیخینی توپی توپی لری.

هدارنگه خینی روانی او سایکولوژی پوهان واثی چه
روحی او روانی مسائل لکه دنوی دماشوم زیرجل، کور بدلوں،
دماشومانو برخ گسی دوالدیس (مور او بلار) جکری،
ناروغی یا غیابت دیوه والدین، له دماشوم تنه حادن کول،
و دکشون یا پیونځی ته نمل، طلاقه، مور یا پلار او داسی نور
هم دماشوم به بی اشتیهالی یا نه خواره گتی بهه اخیزه گوی،
هدا راخ دماشوم ناروخ نوب، دغاشی درد یا پرسوب،
غفوت او نوری ناروغی هم دماشوم بی اشتیهای عوامل
گرخی.

یا ی گتی دا ولی شوکه دماشوم ډنکر قوب یا خواریدل
او بی اشتیهالی که د پورتیبو مسائلو خخه سوا دئی نویکار
دادی چه دماشوم طیب یا داکتر ته ویسودل شی چه داسی
اشتیهالی او نه لویدل ټکیدای هئی د نورو ناروغی له کبله وئی.

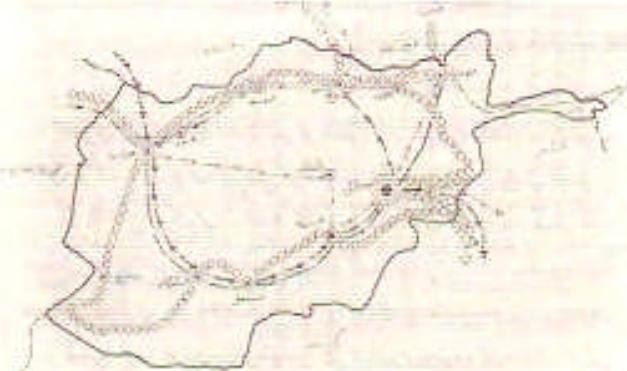
دیری میدی چه دماشومان نه خواره نه خوری، ګندوډ سچوونه
کوی او کنه داکتر ته ورخی او دهنه تنه درمل غواری او خیل
دماشوم ته نی ورکوی، دایوشرکت حلبست دی چه دغه شان دارو
دومبل نه پوائشی چه د خور و لپاره گته نه لری، بلکه دماشومانو
دېرخیان رسوی، خو حقیقت دادی چه خواره دماشومانو به مختلف
عمر گتی توپی توپی خکه خوره جی دماشوم لوپی او جاست ته
و د کونی قدهن اونیاولی دخورونه امله توپی پیدا گوی، د پیلکنی به
توکه همه وخت چه دماشوم دهور شدی خوری نه بوه آکلنی بوری
دوه، دری سانه وروسته پوغل شدی سوری او نهولی دیوه سریع
وی اړهنه دماشوم چه د خلور تریخه ګتنی پوری وئی دهنه د خورلو
ولنن اور وئی او دا ډو طبیعی کاردي، چه به دی حال گتی میدی
سچ کوی زموږ دماشوم دخورو خخه ولدلي دی او یا ولی میافت
په میافتت نه توپی، حال داچه یه دی عمر گتی پاید دماشوم وته (قد)
او عروندوالی (وزن) په کمال گتی وکتل هئی.

څښی میدی خیل دماشوم ته دیر نینکار کوی چه خواره
و خوری او بنا دخوارو لوپی دماشوم بیسی ګرځوی مکر داتیکار
گته نه لری بلکه بهه اخیزه گوی او دماشوم دخورو خخه زوه
نوری، گتی په دی وجه دماشوم بی اشتیهای بد خورونکی او
ډنکر گتی، خکه دماشوم وروسته له دو ګللو خخه بهه خپله
ډلويانو په شان د دستر خوان خواته گتی او پیخنه خواره
و خوری ترڅو جی دخوارو به خونه و پوهېږي ولوکه دهنه
جامی هم سطا شي.

څښی میدی دا سچ کوی چه دهفوی دماشوم د دوه یا
دری ګلوبوري هم پاید دیری بی پا شدی دخوری ترڅو چه
زړ لوي هئی، حال داچی د شدو یا هئی دیر خپله په دی عمر
گتی لوپه ستونه د بی اشتیهای یا نه خورل دماشومانو
کتی، او له پوه لېټره زیانی شدی خپل په درخ گتی

شناخت توانهای محیطی برای ایجاد اقتصادی افغانستان

گرد آورنده: ذهرا قنبری کارشناس ارشد مغراffin



(زراعت، صنعت و خدمات) تأثیر، ترکیب و کار ایمن بوده صد و گردد زیرا اینکا به یک بخش اقتصاد برای شکوفایی پیش نرفت، کاری عربت و بیوهده خواهد بود. راهنمایی رونق نخواهد بود. مگر اینکه صنعت و خدمات امکانات لازم جهت رشد زراعتی را فراهم آورد (مطیع لکروود، ۱۳۷۸) و از سویی رشد صنعت و خدمات نیز راسته به فرآوری تولیدات کشاورزی و مواد اولیه می‌باشد. در این راسته برای ایجاد رابطه ای مناسب با کشور پاک و هند و موم افغانستان تاخته است به بروزی و شناخت توانهای محیطی این سرزمین و موم را رویکرد مسلم اقتصادی می‌پردازد و با به عبارتی نخست عوامل و امکانات بالقوه رشد و توسعه اقتصادی معرفی می‌کند.

ویژگیهای طبیعی افغانستان:

از نظر تپه‌گردانی قست و میمعن از خاک افغانستان را در شمال و شرق کوهها و سلسله‌ها پوشانده است که در ارتفاعات هندوکش همواره برف وجود دارد حتی در تابستانها نیز قله‌ها و پیچه‌های آن پر از برف است که من توان در جهت جذب توریست و ورزشگاهی کوهستان بهره گیری نموده خمینی در میان این ارتفاعات هندوکش دره‌های عمیق و عرض آب و هوا حاصلخیز وجود دارد که محیط مساحتی برای پرورش دام ایجاد ناخواسته می‌باشد.

افغانستان پس از کلف راههای انسی و سپس توسعه راههای

مقدمه

افغانستان سرزمین افراط و تغییر است: کوههای سرمهی غلک کشیده و دره‌های عمیق، بارشها و بیهاری و تابستانهای خشک زمستانها سرد و تابستانها گرم، ارتفاعات برشیده از سرت در طول سال و سرزمینهای پست و خشک و سوزان این افراط و تغییر در زندگی اجتماعی نیز وجود دارد. افغانستان با پشت سرنهادن سالهای زنج و بحران که ابتدائی و عمران را در خود نشانده است اکنون چند هیجانی است که به آرامشی آسمی رسیده است. اما در طول این مدت بهای بسیار سنگین را برای ازادی پرداخته است. بالا ساری این کشور پس از سالها ویرانگری اقام و ملک از توان یک ملت خسته و بی رمق خارج است و تیازمند خوبین ملکی است. عزمی که ظاهرا زمزمه های آن به گوش من رسید.

جمهوری اسلامی ایران با به رساندن اسلامی انسانی و همایوی اش همواره پار و ملد کنار ملک مظلوم افغانستان بوده است. در این مرحله نیز ایران خارج از ماری بین المللی نبوده بلکه به دلیل موقعت و نیز اشتراکات دینی، فرهنگی، تاریخی و غیره... در حق وطن این بازی قرار داد.

افغانستان دارای مابعد انسانی و طبیعی تراحتی برده اما نیازمند مدیریت نیروی انسانی متخصص تکنولوژی و سرمایه می‌باشد. در این مقاله نخست به شناخت توانهای محیطی و ذیر ساختهای اقتصادی افغانستان همواره با زاهدیهای مربوطه و سهی راهکارهای زراعتی و چگونگی روابط ایران و افغانستان و در نهایت پیشنهاد پرداخته شده است.

شناخت توانهای اقتصادی افغانستان:

در جهت رسیدن به توسعه اقتصادی ناید بین بخش‌های اقتصادی

تریاک و دامداری به یک میزان در این کشور رونق دارد.
عمده ترین فرآورده‌های دامی، گوشت بقید، شیر، پنیر، روغن،
گره، تخم مرغ، عسل، پشم و پوست می‌باشد (وزارت امور خارجه،
(۱۳۸۲)

- جنگل: از لحاظ منابع جنگل سیار غیر است نهای یک درصد
حاک افغانستان را جنگل پوشانده است در حالی که عمده ترین ماده
سوخت چوب است. گترش فضای سبز جنگل به منظور بهره‌
برداری اقتصادی و ثامین فضای سبز با توجه به بادهای ۱۲۰ روزه
می‌تواند کام مهمن در توسعه باشد.
عوامل مختلفی که مانع از توسعه زراعتی افغانستان شده است
عبارتند از:
۱- آب و هوای خشک که در اثر آن ۸۰ درصد مساحت کشور
قابل کشت نیست.
۲- سیستم کهنه مالک و زارع و روابط نادرست ناشی از آن.
۳- عدم سیاست‌گذاری.
۴- کنجد فاکتور های جدید تولید، مانند کودهای شیمیایی، بذر
های اصلاح شده، سموم زراعتی، و سایر زراعتی و...
۵- عدم ایجاد تعاریفیای روتایی و زراعتی و محدود ماندن
آنها.

- ۶- استفاده از سیستم آبیاری سنتی که صایعات فروان دارد.
۷- مساعد نبودن اباده‌ها و میلواهای از نظر کیفت و... (اصغری،
(۱۳۷۲-۱۳۸۲)

- ۸- ناهماهنگی بین آب و خاک در تقاطی که آن متناسب با
مرغوب و جود ندارد. در اثر چندین سال جنگ های پیاپی، خسارات
زیادی به زراعتی وارد شده که موجب کاهش تولیدات زراعتی و
بروی انسانی زراعتی، مهاجرت، تحریب مراتع و میهمان افزایش
قیمت گندم گردیده است.
۹- کنجد سرمایه
۱۰- عدم امکان
۱۱- پایین بودن سطح آمورش و آگاهی های عمومی.
۱۲- شرایط بد اقتصادی و کسی در آمد.
۱۳- محدودیت امکانات رفت و آمد بسب گردیده، سردم دور از
هم زندگی کنند.

راهبردهای زراعتی:

در این خصوص من توان با راهبردهایی مزندانگ از میزان
مشکلات و تناقضات کاکت از جمله من توان برای بهبود وضعیت
زراعتی.

هوای مانند سایر سرزمینهای آسیای مرکزی و آسیای غربی، تبدیل به
سطقه‌ای می‌شود در حالتی که در گذشته محل عبور کاروانهای
جاده ابریشم از این سرزمین بوده است افغانستان به دریای آزاد راه
نداز تا از بنادر و رطوبت آن در توسعه اقتصادی و تثیت آب و
هوای خود بهره ببرد اما به خاطر ارتفاعات سر به فلک کشیده و
روزخانه هایی که از آن سرچشمه می‌گیرد بسیار زیبات و تنوع آب و
هوای دارد ذمتهاییش بسیار سرد تا ۲۰ درجه زیر صفر و
تابستانها بسیار گرم تا ۴۰ درجه بالای صفر ارتفاعات افغانستان سبز
استراتژیکی محکمی میان آسیای شمالی و آسیای جنوبی است.
روزخانه های کوههای مرکزی و مناطق شرقی کشور سرچشمه
و به سمت غرب و جنوب هریان می‌باشد به دلیل ارتفاع آباد کوهها و
کاهش سایر ارتفاع کوهها سرعت آب روزخانه های سیار زیاد
است و به همین جهت برای تولید برق مناسب است مهمندان
روزخانه های افغانستان عبارتند از آسود دریا یا جیحون، هیرمند
(ヘルمنド) هیرزو، کابل رود، از آشارهای متعدد هیرزو و جیحون
برای تولید نیروهای هیدرولیک می‌توان استفاده نمود. (علی ابراهیمی،
(۱۳۷۲)

آب و خاک:

مانع آب زیر زمینی تراکمی است در شهر کابل آب در عمق
سه، چهار متری زمین قرار دارد. اما به دلایل فنی کمتر از منابع آب
زیر زمین استفاده شده است. اکثر مردم برای تهیه آب آشامیدنی و
آب زراعی با مشکل دوپرور هستند. حتی در شهر کابل
هزاران دسترسی به آب سالم مصرفی ۲۹ درصد در شهرها و ۱۸
درصد در قریه های می‌باشد که این میزان نیز به کل جمعیت ۲۲
درصد می‌شود.

حدود ۸۰ درصد از اراضی افغانستان کوهستان، پیابان یا تپه
سیلانی است و حدود ۱۵ درصد از خاک کشور برای زراعت مستعد
است که قریب به نیم از آن زیر کشت است. در فصل اعظم
افغانستان خاک مرغوب وجود دارد ولی آب کافی موجود نیست این
کشور به دلیل افزایش جمیعت وابسته به واردات مواد غذایی
بنخصوصی گندم می‌باشد.

مهمندان محصولات زراعتی که توان به سرمهای گذاری دارد
غذارند از: گندم، برنج، یو، چواری، چیزیات، شکر و غیره.
گردن، کنجد، چندر قند، یو، سیرچات، شکر و غیره.

تغیر قیمت گندم موجب تغییر سطح سایر فیتلهای می‌شود
زراعتی اساس اقتصاد افغانستان است. بعد از زراعتی، دامداری نقش
اساسی در افغانستان دارد، بروت نزد دام قره کل آن معروف است.

در حدود روستایی و ۷۰٪ در صد ها چادر تئین می باشد و نیز شغل اصلی مردم رفاهت و دامداری است. لذا سه مورد فوق اهمیت بخشن رفاهت را باید اور می شود بنابراین با سرمایه گذاری در این بخش می توان بخش عظیمی از نیاز های جامعه را بر طرف ساخت.

صنعت و معدن:

بخش دیگری از زیر ساختهای اقتصادی افغانستان را صفت و معدن تشکیل می دهد. توسعه صنعت در افغانستان فوق العاده محدود است و کنندگان این جهت عقق مالکیتی بزرگی دارد. در الواقع چهار مهندسی به نام صنعت وجود ندارد.

صنایع دستی شامل قالب نافی، گلسم ساقی، نیخ تابی، پوستین



دوزی، چرم سازی، نیروگاه، گلخانه، سرگنج، تراشی، سورن کناری و ... است. (علی بادی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶)

صفحت توریسم در صورت توجه می تولند یکی از اقلام در آمد افغانستان باشد آثار باستانی و دیدنی هر او ایشان چون محمد بودا در این کشور مشاهده می شود.

تولید و معرفت ارزی در افغانستان بسیار محدود است. منابع غنیمه ارزی عبارتند از: نفت، گاز، بری و آب و چوب. در این میان رایج ترین ماده ارزی ز آنها چوب است و برای مصارف مختلف از آن استفاده می شود پخصوصاً در روستا چوب است و برای مصارف مختلف از آن استفاده می شود پخصوصاً در روستا چوب همچنان مهترین منبع ارزی است اهمیت افغانستان از نظره نظر ارزی و است به موقعیت جغرافیایی محل است که به عنوان مسیر ترانزیت بالقوه برای حادرات نفت و گاز طبیعی از آسیای مرکزی به کشورهای غربی ارتباط برقرار می کند. ذخایر معدن نفت را تاکنون حدود ۸۰۰ میلیون بشکه و ذخایر گاز را ۵۰۰ میلیارد متر مکعب

ا. اصلاحات ارضی راهی نکر، برناصه زیری صحیح در بلند مدت به انجام رساند که عزیز است. و اضافی که از دوستان تردیک داده خان و زیر رفاقت بوده می گوید:

هر گاه اصلاحات طی یک برنامه دقیق طراحی شده و به میان آید و مردم قبول نیست به آن تبریت شوند آن اصلاحات قابل احترام و سعادتمند خواهد بود.

بنابراین اگر اصلاحات اینطور صورت گیرد که زمین ها از مردم گرفته شود و به خانواده هدایت جریب زمین داده شود و به او گفت شود که با همین هفت جریب زمین سرکرد به نظر من این نیم تواند مردم افغانستان را سعادتمند سازد. (اخوان، ۱۳۸۰، ۱۳۲) لذا طرح اصلاحات ارضی تاکنون تائید نشده چون دارای بررسیهای علمی و عملی سود است.

۲. ایجاد شهرکهای تعاونی روستایی مجتمع های کشت و صنعت از طریق سرمایه گذاری های بخش خصوصی

۳. سطح نظام آبیاری و زراعتی اراضی به شوه توپی
۴. استفاده از شوه های جدید و تولید بذر های اسلامی
سموم زراعی، تجهیز ایزار و ادوات و تکثیر زیستگان زراعی.

۵. بهره گیری از کشت های سود آور مانند زعفران و پسته

۶. ایجاد صایع تبدیلی در کلار مزارع

۷. تجهیز و ترمیم راههای ارتباطی

امنیت ماندن افغانستان از جاهد های موافقان سبه شده است که زمینه های زراعی و دامداری که پایه های اصلی اقتصاد افغانستان را تشکیل می دهد از توسعه بازماند همچنین وجود راههای سب سهولت در استخراج معدن می شود ۲/۳ حاک افغانستان کوهستانی است بهمن جهت ساخت راهها مستلزم صرف هزینه های سکنی و استفاده از امکانات پیشرفته است. (افشار، ۱۳۷۹، ۶۷۹)

۸. استفاده از کشت های مناسب با آب و هوا و منطقه که در مقابل کم مقاومند.

۹. توسعه باغات میوه و سریجات

۱۰. افزایش کشت های جالیزی و حبیقی و نیمه صنعتی

۱۱. پرورش دام به شیوه صنعتی و نیمه صنعتی

۱۲. اصلاح نژاد نام و توسعه پرورش نژاد قره گل

۱۳. آموزش و ترویج شیوه های صحیح کشت به زارعی

۱۴. تشویق فشر جوان به رفاقت و تو اوری

رشد سالانه جمعیت افغانستان ۲/۳ درصد است و این را جمعیت قریب الوقوع است این امر بیانگر جوان بودن جمعیت این کشور می باشد از سوی توزیع جمعیت ۱۷۵ درصد شهری ۷۳/۷

نگاهی کوناه به وضع اجتماعی کشور افغانستان نیز مانند را روشن می‌نماید: نظامی فومن و قبیله‌ای دارند و به همین دلیل معمولاین از ۴/۵ جمعیت در همانجا بیکار که به دنیا آمده‌اند زندگی می‌کنند. این مساله ناشی از فقدان کار و در امد در شهرها برای افراد عدم وسایط حمل و نقل مناسب و کافی و تیز عدم وجود حاده‌های مناسب برای رفت و آمد می‌باشد.

افغانستان نوره زیاد است که هر زیاد آداب و سنت و عقاید خاص خود را دارد. اما زیست پذیریم که خارج از مرز و بیرون افغانستان نشای افراد بکنگر را با نام «افغان» می‌شناسند تا با خصوصیات نژادی و قومی که این خود ناشی از همدلی و وحدت این مردم زحمتکش و مظلوم است.

دو فراز احمده فعلی:

- زیاد سعید شامل پشتون‌ها، تاجیکها، هزاره‌ها، تورستانها و غیره...
- آن زیاد زرده شامل: از تکهای ترکیبی، فریزه‌های متولایا (علی ابادی ۱۳۷۲)

پشتون‌ها بزرگترین گروه سزاد اتفاقها را بایش از ۱۰ درصد جمعیت افغانستان تشکیل می‌دهند و تاجیکها دومین گروه زیاد افغانستان را شامل می‌کردند که ۲۰ درصد جمعیت می‌باشد. دین ۹۸ درصد مردم افغانستان اسلام است و آداب و رسوم و فرهنگ مردم مختلف (ماکتوس، ۱۳۷۸، ۱۴) از فرهنگ اسلامی است از سوی ایران بیش با میزان ۲/۵ با ۲ میلیون مهاجریک فرهنگ هنر ایران-افغانی را بخود آورده است و دارای بیش از ۲۰۰۰ دانشگاهی متخصص افغان می‌باشد.

این نقاط مشترک فرهنگ و دین می‌تواند راه را برای هرچه اسانتر شدن تادلات و تفاهم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی هموار سازد.

روابط اقتصادی ایران و افغانستان:

- به دلایل فرهنگی، زبانی، تاریخی، فرهنگی مذهبی ایران دارای بیشترین و بیشین (زمینه) های روابط اقتصادی س افغانستان است. با این حال در گذشته روابط دو کشور چندان از گستردگی کافی سر خوردار نبوده است شاید مهمترین دلایل عدم گسترش روابط دو کشور را به عنوان در موارد ذیر جستجو کرد.
- روابط‌های شرق و غرب برای متزوی تکددن نقش ایران در امور سطمه و افغانستان بخصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی.
 - همگونی اقتصادی ایران و افغانستان زیر اعتمادناهی دو تولید کننده مواد اولیه و تولیدات روزانه نسبتاً مشابه بوده‌اند نظریه‌گ

برآورده کرده است. حدود ۶۵ درصد برق کشور از طریق اسرائیل هیدرولیک بدست می‌آید ۳۴ در صد قابلی و ۱ درصد از منابع دیگر تولید می‌شود.

اکثر منابع معدنی غیر اما بکر و دست نخورده باقی مانده است. بهترین ذخایر معدنی شاخه شده عبارتند از زغال سنگ، آهن، مس، اورانیوم، شک، کرم، نیکل، طلا، سولفور، ساریت روی، فلز، فلور، طلق (ale)، میزیم، میکا، سنگ لاجورد، الومیمیم، سرب، یاقوت، پشه، تزور، جووه، یوکسیت، تیگستن، لیتیوم، مگنز، سنگ مرمر، نمک، گچ، سنگ آهن، سنگ آهک، نفت و گاز طبیعی.

به عنوان مثال میزان زغال سنگ در افغانستان بیش از ۱۰۰ میلیون تن نمک بیش از ۲۶۰۰۰۰ تن و از بزرگترین معادن مس، مس آیک، ذخیره آن بین ۴ تا ۵ میلیون تن تخمین زده شده است (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱).

پنا براین به جرات می‌توان گفت معادن افغانستان یکی از مهمترین منابع اصلی در آمد افزای این کشور می‌باشد. (وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱)

حمل و نقل و ارتباطات جاده‌ها و مسیریت بسیار محدود نامناسب را داراست بنا بر و کشته‌انش تنها به آمو دریا محدود می‌شود راه آهن تنها به ول ۱۰ و ۱۶ کیلومتر در شمال برای حمل کالا و وسائل و معرفه داره میدان هواپی نیز تهداد و جدیان هواپی میان اطلاع در کابل و قندهار دارد. (علی آسادی، ۱۳۷۲) به همین دلیل تاکنون تجارت خارجی آن محدود و تاچیز بوده است. در مجموع راه‌ها که نشان از عمران و توسعه سک، مکان می‌باشد در این کشور رشد نداشته است اما با توسعه جاده‌ها، راه آهن و میدان هواپی می‌توان راه برای صادرات و واردات هم‌وار سهود و در این طریق می‌توان از کشورهای همسایه به عنوان پاییز سه سوی شرق و غرب استفاده نمود.



ظیعن که هر دو صادر کنند آن خست.

۳- بخش‌های مهم اقتصادی حتی زراعت افغانستان پیش در مناطق شرقی و شمالی و جنوبی آن قرار گرفته و ماحصل غرسی نزدیک به مرزهای ایران رونق اقتصادی تداشته است. (مجموعه مقالات ۱۳۷۰، ۲۴۹)

- ۶- سرمایه‌گذاری آستان قدس رضوی به عنوان بزرگترین کارتل خاور میانه.
 - ۷- ایجاد پاسگاههای مرزی در مرز ایران و افغانستان
 - ۸- ثبات سیاسی و دولت افغانستان
 - ۹- بازگشت متخصصین افغان از کشورهای مختلف.
 - ۱۰- اوانه پول، امکانات و مدیریت توئیت سازمانهای مختلف خارجی اما فکر از آن افغانها.
 - ۱۱- نظام سیاسی و اجتماعی افغانستان باید افغانستان پاپند نه نظام تحملی.
 - ۱۲- احسان مستلت متخصصین افغان نسبت به تعهدات و وظایف ملی خویش.
 - ۱۳- حضور در کار سازمان ملل.
 - ۱۴- بازسازی افغانستان باید مبادی شود و تنها بر اینسان مبالغ ملی پاپند.
 - ۱۵- عدم حضوری تمایش سازمان ملل و سایر کشورها.
 - ۱۶- دادن حق رای ملی به تمام افغانها.
 - ۱۷- سرمایه‌گذاری خارجی.
 - ۱۸- ایجاد پانکهای خارجی.
 - ۱۹- تقویت و بهبود زیر ساختهای اقتصادی.
 - ۲۰- توسعه صنعت نوریست.
 - ۲۱- جلوگیری از گشت و حمل و نقل مواد مخدوش.
- لازم به توضیح است که متعلقه گذرگاه‌های بین از کشورهای پاکستان و افغانستان از دست پاکستانی ترین درهای مورد محضر به شما می‌رود این منطقه حدود ۷۷ درصد از هردویی مورد پیاز قرباً را نامن می‌کند و در آمد سالانه آن برای تولید کنندگان به حدود ۳۵ میلارد دلار می‌رسد. چرا که قیمت هر کیلوگرم مخدوش در آنجا بین ۴۰ تا ۸۰ دلار است در حالی که بهای هر کیلو گرم گندم فقط ۲۵ سنت است. از آنجا که ایران تردیدکرده و کم هزینه ترین این مسیر برای انتقال مواد مخدوش به اروپا و آسیای میانه است، آسیب پذیری تر از دیگر کشورهای متعلقه نیز است که ترکیل میزان ۹۵٪ کیلومتری افغانستان مستلزم صرف هزینه گزافی است. دولت ایران تا کنون بسیاری کنترول صحراء کویرهای خراسان و سistan و بلوچستان در حدود ۵۰ میلیون دلار هزینه کرده است محدود گردن گارگاه‌ها خطر خلند عرضی و احداث ۲۰۰ برج دیده بهائی از جمله اقدامات امنیتی و پیشگیرانه است که ایران به تجامیع رسانده است و از این پس نیز باید همواره بر این بیافزاید.

نتیجه گیری:

توسعه اقتصادی مستلزم روشن و توسعه ذیر ساختهای و توانایی محیطی می‌باشد، توانهای اقتصادی را میتوان در بخش‌های مختلف زراعتی، صنعت، معدن و خدمات نیروی انسانی بروزی کرد.

نیاز ایران روابط اقتصادی در گذشته محدود بوده و نتوانسته است از گسترش کافی برخوردار شود ولی با توجه به شرایط فعلی مطلعه می‌تواند تا حد زیادی گسترش یابد. ایران با موقعیت استراتژی خود بهترین و آسان ترین راه وصول به افغانستان است، هر چند در گذشته به دلیل بحران هایی که براین مرزو بوم گذشته است توانسته روابط اقتصادی موثری نمایند. ارتباط از طریق حمایگان شمالی و شرقی به علت وجود رشته کوه های هندوکش بسیار مشکل است ولی در مرز ایران هایی مشترک با افغانستان، ایران آدامه فلات ایران است که بسیاری از بزرگان میامیت و علم و ادب ایران از همین آب و خاک برخاسته اند و ریشه همیق مشترک است. فرهنگ دو کشور از این قدمت ناشست می‌گیرد به قول رئیس دولت افغانستان حباب آفایی کریزی هنگام افامت در تهران ملت بزرگ ایران و افغانستان آنقدر به هم تزدیک هستند که وقتی وارد خاک ایران می‌شویم لذگار به خانه برادران آمدی ایم زبان مشترک، دین مشترک تاریخ، فرهنگ مشترک یک ملت باشند افغان و ایران.

علاوه بر این ایران بیش از هر کشور دیگر در منطقه، لوازم کار و ابزار مورد لزوم را برای بازسازی افغانستان در اختصار دارد. از قسم پیمانکاری ها و مهندسین مشارک و کلیه مصالح ساختهای و مسود اولیه و تجربه کافی برای ایجاد تأسیسات و زیرسازی ساختهای و صایغ تبدیلی غذایی و تولید کالاهای مورد نیاز. مجموع عوامل فوق ایران را در موقعیتی قرار می‌دهد که بکسر از اکران ساز ساری افغانستان به حباب اید در این زمینه شاید ویژه اتحادیه اروپا برای بازسازی افغانستان در رابطه با تقاضا بسی بدریل ایران در برآورده بازسازی افغانستان اذخان می‌نماید که بدون ایران بازسازی افغانستان ممکن نیست آنکه کلاهای ایران را یک عامل مهم مطلعه می‌داند که باید نقش کلیدی در تأسیسات و بازسازی افغانستان ایفا نماید آمادگی ایران برای ارائه بیشترین کمک به دولت افغانستان در اجلاس توکسو شان از علاقه ایران برای بازسازی افغانستان است.

پیشنهادات:

- ۱- تقویت زراعت و نیروی ماهر به کمک جهاد زراعی.
- ۲- ایجاد شهر کهای صنعتی.
- ۳- تقویت حمل و نقل و ارتباطات.
- ۴- ایجاد سد و مهار آبهای سطوحی.
- ۵- آموزش نیروی انسانی بوسی مخصوص در ایران.

به افغانستان است. هرچند در گذشته به دلیل بحرانهای که بر این مرز و بوم گذشته است توانسته روابط اقتصادی موثری بر قرار نمایند، امروز متوالند به بیشترین شکل پاره و مدد کار این ملت باشد. ایران، بدل ارتقا طی مناسبتی برای صادرات و واردات کالاهای و محصولات افغانستان به سایر نقاط خاور میانه و جهان می‌باشد. همچنین همانطور که تاکنون توانسته امکانات و کمکهای بسیار را به این کشور ارائه کند در آینده نیز میتواند ابزار و تجهیزات مورد نیاز این ملت را تأمین نماید.

ناگفته مفاد که عواملی چون تعاهبات فرهنگی، دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره همچنین وجود ۲۰۵ میلیون مهاجر و ۲۰۰۰ متخصص و دانشگاهی افغان در ایران که بسیار فرهنگ غشی ایران و افغان را به وجود آورده است میتواند نحوه این روابط را مطلوب تر مبارزد.

منابع و مأخذ

۱- اخوان صفا، تاریخ شعاعی افغانستان، مرکز اسناد و تاریخی دیپلماسی ایران (۱۳۸۰).

۲- اصغری، قلندر، اسنادی از نقطه نظر زراعت، مقالات دومن مسیدار افغانستان (۱۳۷۶).

۳- الف، ایج، ماقوس، دن بنی کتاب افغانستان ترجمه قاسم ملکی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۴- اشکار، مهندس علیشاه، اهمیت رامها در مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و سوقی افغانستان ۱۳۷۰ مقالات دومن مسیدار افغانستان، دفتر مطالعات سیاسی و بنational وایس به وزارت امور خارجه شهری اسلامی ایران (۱۳۷۸) و مطبوعی اسکرودی سید حسن جفرابی اقتصادی ایران (۱۳۷۸).

۵- انتشارات جهاد دانشگاهی.

۶- غرایان، زیدی - تاؤرده - ظهور، پادشاه طالبان و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی افغانستان دانشگاهی ایران (۱۳۸۰).

۷- داشت آمر خنگان افغان دانشگاهی ایران ایران و پارسی افغانستان (۱۳۸۰) دفتر معاشرهای پژوهشکار، مطالعات راهبردی.

۸- راهنمای سرمایه گذاری در افغانستان، وزارت امور خارجه - منتشره (۱۳۸۲).

۹- مجموعه مقالات دومن مسیدار افغانستان، دفتر مطالعات سیاسی + سیاست امنیتی افغانستان (۱۳۷۶).

۱۰- وزارت امور خارجه، مشهد کارشناس افغانستان، افغان موحدی (۱۳۸۲).

مهمنترین محصولات زراعی که نیاز به سرمایه گذاری دارد بهترند از گندم، برنج، چو، جواری، خبیبات، پنبه دانه، دانه آفتاب گردان، کنجد، چغندر قند، میوه، سبزیجات، شکر میباشد.

تعییر فیمت گندم موجب تغییر سایر قیمتها میشود زراعت انسان اقتصاد افغانستان است. بعد از زراعت، دامداری، تئش اساسی در افغانستان دارد. پوست نژاد دام قره گل آن معروف است.

عمله ترین فراورده های دامن: گوشت، گوشت سفید، شیر، پسر، روغن، گره، تخم مرغ، عسل، پشم و پوست بیالد.

اما عوامل مختلفی مانع رشد و توسعه این بخش گردیده است:

از جمله:

۱- سیستم کهنه مالک و زارع و روابط نادرست ناشی از آن.

۲- آب و هوای خشک و بیرونی.

۳- عدم ایجاد تعاونیهای رسمی.

۴- عدم وجود سازمانهای حفاظت کننده.

۵- کمربود سرمایه.

۶- فقدان نیروی انسانی ماهر و غیر...

از جمله راهبردهایی که میتوان در این زمینه داد عبارتند از:

۱- اصلاحات ارضی.

۲- ایجاد مجتمع های کشت و صنعت.

۳- بهره برداری از کشت های سود اور.

۴- ایجاد صنایع تبدیلی در کلار مزارع.

۵- تجهیز و ترمیم راههای ارتباطی.

۶- استفاده از کشت های مقاوم ساقم آبی.

۷- توسعه با غلات میوه و سبزیجات.

۸- افزایش کشت های جالیزی و صیغه جانه.

۹- آموزش و ترویج شیوه های صحیح کشت.

۱۰- پرورش دام به روش صنعتی و نیمه صنعتی و غیره.

بعض دیگری از زیر ساختهای اقتصادی افغانستان و صنعت و معدن تشکیل میدهد. توسعه صنعت در افغانستان طرق العاده محدود است و کشور از این جهت عقب ماندگی بزرگی دارد در واقع چیزی ممکن به نام صنعت وجود ندارد و معمولاً به صنایع دستی خلاصه میشود.

اکثر معدن این کشور غنی اما بکر و دست تخریب شده باقی مانده است بهترین ذخایر معدنی عبارتند از:

زغال سنگ، آهن، مس اورالمیوم، نمک، گرم، نیکل، طلا، سوپرور، باریت روی، قلع، فلورور، حلقوی ^{talc}، میزیم، میکا، سنگ لاصور، آرمیبیوم، سرب، یاقوت، پنه تسویز، جیوه، بوگست، تگش، لیتیوم، سکر، سنگ مرمر، نمک، گچ، سنگ آهن، سنگ آمک و نفت و گاز طیس و غیره.

ایران با موقعیت استراتژیک خود بهترین و آسان ترین راه وصول

ز واپا پی تاریک روشن خسته افغانستان

نویسنده: عبدالقدیر رحیمی
قسمت دوم

وضعیت آبی افغانستان:



افغانستان یا به داشتن کوه های بوندیده از بر قد، منابع سرشار آب شیرین دارد، با وجود خانه های زیادی در آن جویان می باشد، تمام رودخانه های کوچک به موالات شمال هلوکش تهائناً آب شان به آموختن من شود، و آب های رودخانه عالی شرق افغانستان بستره دریای سند من ریزند، رودخانه های کوه های مرکزی و جویس افغانستان به هامون (هیرمند) یکجا من شوند، افغانستان نظر به داشتن موقعیت کوهستانی، استعداد های سد ساری و توسعه تراویث را دارد.

اختلافات مرزی:

افغانستان، اختلاف مرزی اش را که با کشور چین داشت در زمان رمام داری سردار محمد داود (۱۳۵۲-۱۳۵۶) (الی ۷ شور ۱۳۵۷) با مقامات سینکیانگ چین حل شود، در طاهر امر باشد همسایه شمالی (تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان) اختلاف مرزی وجود ندارد، اما جنوب متعلقه پنجده افغانستان را در سال (۱۸۸۶)

بعی بکشد و هفده سال قبل روسیه سرازی گرفت، اگر اخلاقی باشد نگارنده لز آن بی اطلاع می باشد،
باکستان پس ساله پشتونستان و مناطق وسیع نیوج تن (ولایات سواد، باجور، چترال، علاقه ارنوی، وربری، داور چانگ و جن طبق معاهده دیبورن در سال ۱۸۹۳، یعنی دو بکشد و هه سال قبل توسط عدل الرحمان خان پادشاه افغانستان، به انگلیس های مدیم خند داده شد) اختلاف مرزی دارد، این اختلافات در زمان صادرات (جست و پیری) محمد داود خان گمی مالده شود، که منجر به درگیری دو کشور های شوہ در زمان ریاست جمهوری محمد داود نیز همواره جنگ لفظی از طریق، زمانه های خبری دو کشور پاکستان و افغانستان به اوج خود رسیده بود،
مداخله های علیه دولت پاکستان را در حالیات جهاد و مقاومت مردم علیه رئیس مارکنسنی شوروی و بعد در (ملک) حکومت طالبان پایانی ارتضای بازن قدمی داشت،
افغانستان با جمهوری شاسن ایران اختلافات مرزی ندارد، مگر قسم آب های متعد در چند در سال ۱۳۵۱ زماییکه محمد ظاهر ساده در اربیله قدرت افغانستان تکه داشت محمد موسی لسفیق صدر اعظم افغانستان و عیالت ایران در زمینه به توافق رسیدند در این توافق حد ایران ۲۶ متر مکعب در هر نایه تعیین گردید (۳)

با اختکالی های بین درین سال های اخیر در (۱۳۸۱) دکتر محمد شاهی دلیس دولت جمهوری اسلامی ایران با حامد گرمی دلیس دولت افغانستان در کابل مذاکره گردند که آب های متعدد محور مسائل مورد ساخت شان را تشکیل می داد لذکن نگارنده از قضیه دیگری در این زمینه بی اطلاع است.

کالاهای تجاری به آسیای میانه از همین سه پدر صادر می شود و اموال مورد نیاز از آنجا وارد می گردند جیوهون آشناهای زیادی دارند، اگر افغانستان غنیواری پیدا کند، از این اشاره ها برق مورده بیان کثیر استحال موافق شد.

رود هیرمند:

هیرمند از کوه پامان سرچشمه من گیرد و به سوی جنوب غرب جریان دارد به فاصله ۱۲۸۰ کیلومتر در داخل علاج، افغانستان جریان می بارد و ادى هلمند (هیرمند) از برکت این رود همیشه شاداب است نسبت تمام افغانستان مردم ولاست هلمند از رزاغت پرور نهی برخوردارند.

هروود:

هربرود از کوه پامان سرچشمه من گیرد و از هرات می گذرد و در نزدیکی مرز ایران به سمت شمال تغیر جهت می دهد و در ریگان های ترکمنستان به زمین فرومی رود این رود در داخل افغانستان سه ماحت ۱۲۳۰ کیلومتر در جریان است داران اشاره های است که برای سدسازی مستعداند در زمان سردار محمد داود پرورد پسر اسلام (سلمان) به این رودخانه احرا در آمد که با وضع انتقالات کشور و درهم ریزی اوضاع کار این پرورد پرورگی تعطیل شد که این است با این تحولات سیاسی کار پرورد سلمان از سرگرفته شود

رود کابل:

این رود از کوه های مرتفعی سرچشمه من گیرد از مان شهر کابل می گذرد و سرانجام باز پاکستان و سپس به رود سند ملحق می شود افغانستان رودخانه های زیادی دارد بطور مثال من شوان از رود مرغاب در شمال پروان رود نکاب، ارغنده، فراه رود، رود بلخ نام برداشت.

افغانستان گذرگاه تمدنها:

افغانستان در گذرگاه تجار هندوچین به ترکستان بوده است، به ویژه در ساقی راههای هوایی تمدنات ماقونی از طریق زمین وجود نداشته، به ساخته کوتاهی راه، هر چند صعب العبور بوده از همین گذرگاه ها استفاده من شده است امروز دیگر از این راه های دشوار و پریج و سه استفاده نمی شود مگر اینکه جهانگردی و سما جامنه شناس و سوراخی جان بر کاف نهاده سفر شود گذرا این گذرگاه (ایریشم) سبب می شده که تأثیر های مثبت و گاوص هم منفی در این سرزمین به جاماندگان مذاهب، سنت های مختلف مثل یهودیسم، یهودیت و مسیحیت و اسلام، اکنون غایید هندویان به نوشی روی فرهنگ و مردم افغانستان تأثیر گذاشت

نظر مختصر به کوه های افغانستان:

افغانستان سرزمینی است کوهستانی هندوکش بزرگترین سلسله جبال آن است هندوکش از شمال شرق به موازات جنوب غرب امتداد دارد طول این سلسله جبال حدوداً شصده کیلو متر و در مطلع سانگ ناصد کیلو متر پهنا دارد، ارتفاع قله های آن تا ۶۵۰۰ متر می باشد که دائم پوشیده از سرف است این سلسله جبال را سه قشر افغانستان نامیده اند.

دیگر کوه های مشهور افغانستان، کوه بایار، سفید کوه و سیاه کوه است امتداد این کوه ها به جانب غرب است هر قدر به سمت غرب نزدیک شود ارتفاع آن هایی کاهش می بارد و پیش آنها از وسط افغانستان می گذرد، لذا به شهر های قندھار، هرات، کابل موقعیت اسرازیکی می دهد.

افغانستان به تسبیت اینکه از بحر های دنیا دور استه نایابان گرم و زمستان سرد دارد اما با به داشتن کوه ای بالند از دره ها و ایشان های دیدنی و دلپذیر بر خود دار است به همین علت در حد قابل ملاحظه ای از جمعیت افغانستان در فصول مختلف سال از ایلاق سه قبه ای کوچ می کنند و شغل اصلی شان دام پروری است.

معرفی رودخانه های مشهور افغانستان:

جیوهون(آمو)

بزرگترین رود افغانستان که از بام دنیا (پامیر) سرچشمه میگرد



و به طول ۱۱۲۵ کیلومتر متر میز افغانستان با تاجیکستان، ازبکستان و قشقاش از ترکمنستان را تشکیل می دهد آمو است بنادر گله مفهم افغانستان در ساحل این رودخانه بزرگ قرقره حیران و شیرخان بنادر از بنادر مشهور شمال افغانستان است.

بنادر گله دیگر شمال افغانستان سور غندی نام دارد، محصورا

(۴)

نائی اغلب روسایان قابل منعصب از ذکر نام دختران و زنان شان عار دارند و مأموران سرهاری این خود را به حاضر کسب اطلاع دویق در گیر نمی سازند از جای دیگر امسار سال ۱۹۹۲ میلادی در افغانستان پاد آور جهاد و مقاومت مردم است دست کم پنج میلیون جمعیت آواره در خارج داریم لذا باید جمعیت کوئی افغانستان را پس از برگشت مهاجرین حدود میلیون نفر تخمین زد.

هر چند میزان مرگ و میر در افغانستان رسید است اوسط طول عمر را بین ۴۱ تا ۴۳ سال برآورد کرده‌اند بناءً بعدی به تظری نخود اگر احتمال سال ۱۳۴۱ جمعیت کشور را پانزده میلیون دو صد هفتمانیک هزار برآورد تایید اکنون باید (۸) باجای حملی جمعیت مهاجریش از سی میلیون نفر داشته باشیم طبق تحقیقات مرحوم غبار در مقابل یک پژوهش بین‌المللی هزار جمعیت داریم که غلب ماندگی ما افغانها را به تماش می‌گذارد (۹).

لازم به باد اوری است ۱۶۷۵ درصد پادشاهی اند هر چند ازده سال قبل به این طرف اتفاق نه اتر شماری که از جای محاذین بر اقشار کم در آمد و از این به سال اخیر خشک، سالی هم مرید بر علت گردید عده زیادی از روسایان به شهر روان آوردند اکثر دولت افغانستان متوجه چین خطری نشود عوایض آن خطروای خواهد بود، هم اکنون اثرات سوء اجتماعی به اتر مهاجرت در تهره ها ایجاد شده است افغانستان دارای ۲۰ هزار فربه است، که پس ده تا پانصد هزار بیش در آن زندگی دارند و این به روسایان در زمان به اتر بارندگی و برف بسته است، ایشان وفاخر و سله مطمئن حل نقل بشمار می‌روند راه اسافتات که فربه را به شهر وصل نماید وجود شماره به این علت است که سالان تالعطف مرگ بزر فربه دیگری که در پنجاه کیلومتری شان واقع شده است، اطلاع ندارند سالان توپس افغانستان متوجه است، جمعیت آن دارای دو تراز است.

تاجیک ها، پشتوان ها، نورستانی ها، سغدیانی ها و افغان ها، ترکمن ها، مغولها و فرموزها ترازه زرده دارند.

تکیب متوجه قوم مردم متنفسانه به اتر پایان بودند سطح فرهنگ عامه، گاهی به خشونت های گروهی می‌انجامد، اما حریمه شان داده است که هرگاه یکانه ای حمله آورده همین بافت شاهگون از خوبی خوش تایابی جان و قاع من کند خوشنودگان عزیز سالهای جهاد را علیه روپهایاد آور هستند.

اقوامی که جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند بایدین فراز اند: پشتوان، تاجیک، هزاره، ازیک، ترکمن، بلوج، پارس، فرانش، ایماق، برخوشی نورستانی هندو، سیک، قراق.

معرفی مختصر اقوام و طوایف مشهور:

لشکر مقدونی در ۳۳۰ قبل از میلاد از همین گذرگاه ابریشم عبور نمود محمود غزنوی برای رسیدن به ثروت های افغانستان از هندوستان از همین راه استفاده کرد، تیمور لنگ و بعد هانادر قلس اشار و حتى احمد شاه در این اتفاق نیز قدم در جا باید اسلام بهمین طبع و هدف گذاشتن و برای رسیدن به هندوستان همین راه های کوئنه را انتخاب کردند این رفت و برگشت ها و حتی لشکرگش ها شرایط زیست با همین وسعت اندیشه و نگرش بالر ابریای باشدگان این مرز و بوم مساعد ساخت، هیوان تگ، وندور نایان و کاییا تالمدان و فندهار را ایند کرد یک هزار دو هزار دو هزار سی هزار و بودانی، بیشتر از هشت هزار راهب بودانی، ده معبد شیوالی در گایا سلواد معد برهمی در قله هار را دیده است (۵).

معلوم می‌شود خارج از مسیر این جهانگرد معابد فراوان بوده که او اطلاع نداشته است علاوه بر آن دیانت رزتشتی در اسلات هرسی افغانستان بپرداز زیاد داشته است.

ناگفته نماند که جاده ابریشم از تیشاپور تا قندهار (کندهار) و تاهدوستان می‌رفت و همچنان از قندهار به بلخ امتداد داشت و از آنجا به چین و دله دیگر آن به ترکستان روسی می‌رفت.

آب و هوای افغانستان:

افغانستان در نیم کره شمالی زمین واقع شده است آنجان که دکر شده از آب های افغانیس جهان دور واقع شده و اقبالی خشک را در این سرزمین بوجود آورده است اگر در مناطق مرتفع کوهستانی میزان بارش برف زیاد است و در دامنه ها تاسطع ۱۰۰ الی ۱۴۰ میلی متر در سال بارندگی داره ولی در مناطق جنوبی و غربی افغانستان بارش ساران کم و اغلب خشک سالی های و حشناک این کشور زخم خود را تهدید می‌گذارد.

افغانستان منابع آبی فراوان دارد و وجود کوههای بودن آن را در میان سایر کشورها ممتاز ساخته است متأسفانه به اتر خلر وضعیت اقتصادی این منابع عظیم بوده بزرگی فرار نگرفته است می‌شود گفت کمتر از چهل هزار صد جمعیت شهر نشین افغانستان به آن شرایط دسترسی دارند در حد کمی از فربه بات من نواند از آب سالم نهره می‌شوند (۶).

جمعیت و مساحت:

افغانستان ۶۵۲/۲۲۵ کیلومتر مربع مساحت دارد (۷) که برمیانی اماره سال قبل پانزده میلیون جمعیت را در خود جای داده است هر چند سر شماری در مردم افغانستان صحیح نیست بخاطر اینکه در حد قابل ملاحظه افغانستانها کوچ نشینیها عشایر هستند و در

و کسی نمی توانتست به حکم اعلان یک سلورایی فرمان دهد این طایفه از وقت ایجاد افغانستان تا آمدن پجه مفاو (امیر حبیب) در افغانستان حکومت کردند و بعد از انقلاب حبیب الله مجدد این حکومت مسلط شدند تا ۱۳۵۷/۲/۷ شر حکومت افغانستان در اخبار این طایفه بود، معروف ترین طوابق این خاتمه پیشون از این قرار است پیغمبری، باریگری، اچکری، سوروزی، علیزی، الکوزی، لسحاقی زی، ماکو و خوگیان.

شام سوان اقوام پیشون را (سردار) می گویند دحالیکه به سران دیگر طوابق خان گفته می شود، افغانها درانی (سدوزایی) دلیر، مهمان نواز هستند هر چند رقابت ها و خصوصیات ها درین هم وجود دارد لیکن اگر پایی بیگانه در سریم شبان گذاشته شود سخت از خوب شدن دفاع من کنند اغلب پیشون ها حتی مذهب اند زبان شان پشتاوه پشتون زبان های که در جوار فارسی زبان هاریدگی کردند به تدریج زبان شان را از دست دادند.

ب - تاجیک ها:



این قوم در بد عثمان کابل، هرات و غورتا غزوئین برآکنده اند، اغلب تاجیک هاشمی شبن می باشد و به زبان فارسی شدی نکلم می کنند زادشان آریانی است، از نظر خدماتی زیادی از نویسندگان، تاجیک ها صلح دوست، شاعر پنه منطقی، آرام، متواضع و دلایل حضور ذهن قوی اند، اینها مانند سایر افغانها و هزاره ها روسیه دشمن میزی فعال دارند (۱۲) اینها را شدت شان را در مبارزه علیه روسها شان دادند حبیب الله کلکانی در ۱۹۲۹، به مدت نه ماه زمامدار مردم افغانستان از همین تاجیک ها بود.

در این اواخر قیل از حضور طالب ها از بهار ۱۳۶۱ تا مستوط کابل به دست طالبان استاد برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان سر تاجیک بود تعداد تاجیک های افغانستان را بین ۱۰ تا ۱۳ درصد کل جمعیت کشور تخمین می زند.

الف: پشتونها، پایختون ها (پاتانها)

او بزرگترین طوابق افغانستان محظوظ می شوند شاخه ای از قوم اربابی اند، هر چند بعضی از محققین پشتون ها را مربوط به قوم بنی اسرائیل می شمارند آقای مایل هروی دانشمند معاصر از چنین نظریه پیروی می کنند که مفترون به



صحبت نیست.

پشتونها که افغان یا اوغان نیز تسمیده می شوند در قرون شانزده میلادی تا قرن ۱۸ در جنوب کابل تا سواحل رود سند و قند ها را میان زندگی داشتند. (۱۰)

این طایفه بزرگ در زمان پادشاهی عبدالرحمان در سایر نقاط افغانستان کوچکانده شدند خواستند کسانی محترم می دانند که علیزبان ها، پایبلزایی، اچک زایی ها (سدوزایی) علیکوزایی های زندگان که زبان شان را از دست دادند یاد اور همان کوچ کرن های اواخر قرن ۱۹ است، پشتون ها به دو ایل بزرگ تقسیم می شوند.

۱- غلزاری ها (غلهجان)

برگترین طایفه اقوام پشتون ها هستند از وادی رود کابل تا خاله آباد خوست تا جنوب و ردگز زندگی دارند محمود الخان و بسادرزاده اش شاه اشرف که مذکور در اصفهان حکومت کردند (۱۳۵ تا ۱۳۴) و یا لاقل برای دولت ایران در دسیر ایجاد کردند از همین طایفه بودند پاتان ها که توسط نادر قلی افشار از ایران وارد شدند، بقایای آنان مانند آزادخان نازممان کوچک خان زند مدعا تحت اصفهان بود.

غلزاری ها به دو خالواده وران و برهان تقسیم می شوند، اقوام سلیمان خلیل، علی خلیل اثیر، و تری کی از خالواده برهان اند و هر کدام از اینها از خاتمه دوران توران محظوظ می شوند که هر کدام به طایفه کوچکتری تقسیم شده اند (۱۱)

۲- درانی ها:

درانیان را ابداعی می گفتند و احمدشاه با کلمه ای ابدالی را به درانی تبدیل کرد.

برگترین شاخه درانی ها سدوزایی ها اند که ابدالی ها در این هم از این طایفه اند این طایفه خود را پس از دیگران می دانند

ج - هزاره ها:



مسئولاً هزاره ها در ارتباطات مدنوکش و دامنه های مرکز افغانستان زندگی دارند. بعضی محققان آنها را بقایای مغولها می‌دانند و عده‌ای هم آنها را ترکیبی از نژاد آریانی و مغول می‌داند. هزاره سه چندین سه

معروف نقسم می‌لویند. دایرگی، دایکنی، جاخوری، هزاره ها کمتر از دولت صاحب انداد حمایت کردند و شر اوقات خود محظوظ بوده اند مخصوصاً بعد از ایجاد افغانستان.

اگر معرفانه قضاوت شود مخصوصاً در این پک صد پجهه سال اخیر به هزاره های وطن پیشتر ظلم شده است بطور مثال سردار عداله خان حاکم قندهار در باره اسرای که از هزاره جات گرفته شده و در قندهار مخصوص بودند، چنین گواش می‌مند «از جمله ۱۱۹ تن زل و مرد و پسر و دختر که از شهر اهله هزاره در سال گذشته (۱۹۹۳م) دستگیر شده و در قندهار مخصوص بودن دوصد و نود دو تن قوت شده (طبعاً به لر ظلم و شکنجه) و ده تن که از بورگان ایشان بودند گل کل سوده ۱۷ تن را اسماون گرفته از حسین رهاداده ۲۴۵ تن دیگر در اسلام خالجه دولت واقع قندهار مأمور زراعت و فلاحت کرده است ۶۴ تن در زندان کوتولی قندهار مخصوصاً حضرت ولاز این عربیمه و گوارش او منخت برآشته (۱۲).

این مشت نمونه از خروار مظلوم است که به بهانه تمرد به حرم اعتمادات از کله های مباره می‌ساختند و املاک شان را مصادره می‌نمودند.

یادیان مرکز هزاره شبان است شهر علاقه باشان در تاریخ کشور ما معروف آنگونه که از نامش پیداست. جمیعت زیاد و اینه در زمان حمله مغول (چنگیز خان) اهلی آن مانند بخارا، سمرقند و بلخ هرات قتل عام شدند. تعداد بایان در طول تاریخ در حسن خاصی داشته است ساخت دوست در سرخ و دخنگیست به ارتفاع ۲۳ متر و ۵۶ متر در سیه کوه شکوه عظمی مهدی را به تابش می‌گذارد که خارا ای پیشه غنی فرهنگی بوده اند افسوس بشر تندن. داییان اسلام به نام هزاره با خاطرتوت به جان این دوست عظمی می‌پرس و انتادند. با دینامیت

منجر ساختند بالین اشیاء خایعه استفاده به وجود آوردند و نهایتاً خشم و عصیت جهان را علیه اسلام تحریک کردند. جمیعت هراره هارا در حال حاضر تقریباً معادل ناجیک های تمحیم می‌زند.

د - ازبکها:

ازبکها در قرن ۱۶ او سیخون گذشتند سر متصفات تیمور نگ حمله کردند از آن وقت تاکنون در قسم های شمالی افغانستان اسکان دارند و در میانه مزار شریف (بلخ) قشرون. خان آناد زندگی دارند آنها به پروردشی دام عالمتند هستند.



کار اصلی شان پرورش گوستند (قره قل) است که بر های این نوع گوستند پرست مرغوب و گران قیمت دارد. بزرگترین سرگرمی مردم اوزک سوار تکاری است حسی مایه برگشته ازبکها افغانستان در جهان معروف شده است در ایام شاهزادی مسالروز استقلال و یا نوروز با اس های شان در کابل حضور بیاند گند نا مایه برگزار نمایند. بر اساس تخمین اگر جمیعت افغانستان به سی میلیون برسد تعداد اوزک های وطن را تا دوییم میلیون باید حدس زد.

ذ - قرقمن ها:

این قوم در شمال افغانستان تا پادشاهی زندگی دارند تعدادی قابل ملاحظه ای هم در هرات ساکن هستند اغلب دامبروراند در فراسین باقی شهروند خاصی دارند: اینها تسبیت خود را به چنگیز مغول می رسانند چنانچه که در تاریخ تیمور ایلک علاقه مند بود به چنگیز سنت داشته باشد. (ادامه دارد)





محمد قاسم دانش بختیاری

پروسه دموکراتیزه شدن افغانستان

بعد از پازدهم سپتامبر

به همراه چشم اندازی از آینده افغانستان



مقدمة

وقتی در پانزدهم فوریه ۱۹۸۹، اخیرین سریاز اوتلش شوروی سابق خاک افغانستان را ترک نمود، چنان‌این‌سان به ستایش و تحسین افعالها گشوده و آنرا حمایه سازاند و قهرمانانی می‌خوانند که این قدر ترس زامه و ایسو در آورده و چهان را از شر کمونیزم وهانی بخشیدند. هنوز طین این ستایشها و تمجیدها فروکش نکرده بود که افغانستان و سرپرشت مردم آن به فراموشی سپرده شد اولین نماد این نیسان در معاهده ۷۰ هم خود نسخه نمانی کرده بود، مفاد این معاهده به گونه‌ای تنظیم شده بود که گویی جنگ اصلی میان دولت کمونیست افغانستان و پاکستان صورت گرفته است که اکن با اتفاقی این معاهده به پایان درگیری و مداخله در امور پاکستان متعهد شده‌اند. نیروهای شوروی سابق لیز بارین سبب که این مذاقع مداخله پاکستان در امور داخلی افغانستان می‌شود خواه افغانستان را ترک می‌نمایند. حکومت کمونیستی که ابتدا با حمایت امنیتی و سپس با مداخله مستقیم شوروی بر کار آمد امضای این معاهده از سوی پاکستان و حضور شوروی و آمریک عنوان تضمین کننده‌های بنی‌العلی آن، رسوبت پیدا کرد، هر

بر انتشاری هدروت گرفت. در ماده هشتم این معاهده آمده است که فرایند دیلماتیکی که به وسیله دبیر کل سازمان ملل متحد و سایر حمایت دولتهای ذیفعی به مغایر متناسبی به ساماندهی سیاسی وضعیت مرتبه با افغانستان از طریق مذاکرات آغاز شده بود با موقوفت پایان یافته. تعبیری که در اینجا از آن با عنوان ساماندهی سیاسی اوضاع افغانستان یاد شده است.

ظاهرآ بسیار محدود و معطوف به خروج نیروهای شوروی از افغانستان بود چنانکه ایالات متحده در اعلامیه خود در مورد این معاهده وظایف مرسوط به عقب شیخ سروها را مرکز اصلی ساماندهی داشت. زیرا اگر تعییری وسیعی یعنی روشن نمودن وضعیت سیاسی و اینده حکومت افغانستان بود، تا این زمان موافقی بدست نیامده بود و در این جهت برخی لاثتها به ویژه تلاش نایانه سازمان ملل، برای تشکیل دولتی فراکتور در افغانستان تیز با ناکامی روبرو شده بود. در واقع وجود تعابیر و توافق مرسود در معاهده زتو از حمله عوامل مهمی بود که باعث شد اتفاقاً عمومی دنیا رسالت خود در افغانستان را پایان یافته تلقی کند و تسبیت به شروع جنگ داخلی در این کشور بی تفاوتی پیش کشد. چنانکه در این راستا روزنامه نایمز لندن پس از مدت زمان کوتاهی از انعقاد معاهده زتو و شروع درگیریها من توبید: «سازمان ملل خروج دوستیها را با مذاکره به احجام رساند و متوجه آن اکنون پایان یافته است. جهان در این کشور درگیر مبارزات قیله ای و پدر کشتنی دیگر و ظلمه ای ندارد» (۱).

پایین ترتیب در حالیکه جهان باشتاب به سوی هزاره سوم و رشد سریع تکنولوژی و فناوری اطلاعات و پدیده هایی چون جهانی شدن حرکت من نمود افغانستان همچون تاقه جدا باقی ای در گوش ای از این جهان هست سیر فهرابی خود را طی می نمود. بدون اینکه توجه و نگرانی زیادی را برانگیرد. ظهور و قدرت بسیار طالبان نیز هر چند زیسته برخی توجهات را فراهم کرد ولی باعث شد که جهان بست به این غفلت سنگین هوشیار شود. تنها واقعه ای فوجی و بزرگ همچون یازدهم سپتامبر بود که برده های غفلت را کنار زد و قایع یازدهم سپتامبر آثار و پایامدهای عظیمی در تحول و دگرگونی نظام جهانی و بنی اسرائیل داشت که از زمان وقوع این حوادت تا کنون تحلیلها و تفسیرهای بسیاری در این رابطه صورت گرفته است. اما یک جهه از این آثار و پایامدها که شاید تا کنون کمتر به آن توجه شده است و تا حدودی شگفت الزکر به نظر می رسد این است که وقایع یازدهم سپتامبر، افغانستان فراموش شده و درگیر جنگ داخلی را که جزو سبق اتفاقه تربیت و متربی تربیت تسلط جهان محسوب می شد، تبدیل به شادی از جهانی شدن نمود. شادی که شاید تا پیش از این اغلب آن را در کاراغل های بین المللی و

شرکتی های چند ملتی و یا در قالبهای چیون سازمان تجارت جهانی جستجو من کردند و به نظر من امّد افغانستان با آن وضعیت تألف آور و عقد ملکه اش از این دنیای جهانی شده بسیار فاصله داشته و کاملاً محرا است. یازدهم سپتامبر شان داد که با توجه به گسترش فن آوری های اهل اسلام و ایستگی چند جانبه اقتصادی - سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی مردم گوشه و کنار جهان را بکنیکر، جهان در هم تیله و یا به تعبیر «مک لوہان» دمکته جهانی نمی تواند است به چنین شکافها و تکنگی های از خود بی تفاوتی نشان دهد و به قول اخضر ابراهیمی پس از این وقایع «دیگر متوجه شد که حتی اگر کشورهای کوچکی مانند افغانستان به فراموشی سپرده شوند باید مستظر اتفاقات بد و خطرناک و آسیاهای جبران ناپذیری جوں حادثه یازدهم سپتامبر بوده بنا بر این منطقه ای در دنیا وجود ندارد که آنکه به که تایمز لندن می گوید، جهانیان تیکت به این وظیفه ای تداشته باشند و در آن راستا تلاش برای بهبود وضعیت بازارسازی این منطقه از دمکره جهانی من توان تحقیق این معمون مهم جامعه جهانی در اندی ای این کشورهای منقق و نیروهای ججهه متحده افغانستان به اندی ای هزاره سوم داشت: «از مون فوری دنیای جهانی شدن نه در تظاهرات سرک بیرون سازمان تجارت جهانی بلکه در کوههای افغانستان برگزار می گردد» (۲).

پروسه دموکراتیزه شدن افغانستان بعد از طالبان:

با سبیری شدن دو سال از وقوع حادثه یازدهم سپتامبر افغانستان تحولات و تغیرات زیاد را پیش می گذاشتند ایست. عمله عمده ایگ کشورهای منقق و نیروهای ججهه متحده افغانستان بر علیه رژیم طالبان در هفتم اکتبر ۲۰۰۱ برگزاری اجلاس بن در مورد آینده سیاسی افغانستان در ۲۸ نوامبر تا دوم دسامبر ۲۰۰۱ شکت طالبان و آغاز سکار دولت مؤقت در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۱ اجلاس بین المللی مهم کمک به بازارسازی افغانستان در توکیو در ۱۰ نویم ۲۰۰۲ برگزاری اولیه جرگه اضطراری جهت انتخاب رئیس دولت انتقالی و تعین ساختار دولت و تشکیل مجلس قانون اساسی از یازدهم یا نوزدهم ژوئن ۲۰۰۲ و سرانجام شروع بکار دولت انتقالی اسلامی افغانستان در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۲ از مهمترین و بر جسته ترین تحولاتی می باشد که در این مدت در افغانستان روی داده است. در طول پیش از دو دهه تجاوزات اشکار و پنهانی خارجی و جنگ داخلی و برانگر پیشتر زیر مأموریتی سیاسی اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی افغانستان را میان رخنه است. و آنچنانکه محروم کریزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان اظهار داشته اند این دوران طولانی می شانی افغانستان را تقریباً به نقطه صفر بار گردانده است. بای بر این پس از وقایع یازدهم سپتامبر و به طور مشخص تر پس از تشکیل دولت مؤقت و انتقالی در افغانستان بروزه ای از تغیر و تحولات چند جانبه آغاز شده است.

فرمودی بینا نموده است، که مشخصه بازی چنین وضعیتی برآکند، گزینش سلاح بوزیر، سلاحهای گرم در میان افسار مختلف مردم است.

در این شرایط به نظر می آید افغانستان در حال حاضر در معضل امنیت مهم رو برود می باشد. اولین مورد که شاید بتوان آن را عشوارترین و مهمترین معضل دانسته خلیع سلاح عمومی است. وضعیت بی ثبات و نامنی باعث شده بود که اکثر مردم برای حفظ امنیت جانی و مالی خود متوجه سلاحهای گرم شوند و داشتن سلاح یک خروزت اساسی تلقن شود که تداوم این وضعیت پیامدهای اجتناب ناپذیری نیز به همراه داشت، منجمله فرهنگ داشتن و بتکارگیری اسلحه بطوطیکه هر گاه اختلاف و مشکلی بروز می کرد ساده ترین راه حل در استفاده از زور و اسلحه بوده است. خلیع سلاح عمومی در افغانستان خود می تواند از دو جهت متفاوت قابل تأمل و بررسی باشد، از یکی خلیع سلاح مردم عادی و یا به تعییری اشخاص مطرح است، از سوی دیگر خلیع سلاح گروههای سازمان یافته و احزاب سیاسی در مورد مردم عادی خلیع سلاح و حتی تجدید نظر در فرهنگ استفاده از اسلحه فردی کاملانه تدریجی است که علی آن مردم با احساس احتیت در جامعه و همچنین حاکم شدن نظام و قانون استفاده از زور اسلحه را غیر ضروری می بینند تا زمان بوجود آمدن چنین احساسی مردم کمتر به تحويل سلاحها بشان تمايل دارند و هر چند ممکن است در نهایه عام اقدام به استفاده از آن نکنند ولی به نگهداری و مخفی کردن سلاح ادامه خواهد داد که این مشکل نیز در باند مدت و در شرایط بهود وضعیت اقتصادی دولت، می تواند از طریق سیاستهای تشییعی (ملأاً تحويل اسلحه در ازای پادشاه) رفع شود.

اما معضل اصلی خلیع سلاح در رابطه با گروهها و احزاب سازمان یافته و سلاح است، در کشورهایی که به نازکی از یک جنگ داخلی خلاصی یافته اند تحوه برخورد و مقابله با این گروهها مهمترین ضرورت حفظ صلح بایدار می باشد، این اصرار در زمان جنگ داخلی، به خصوص اگر طولانی مدت باشد، به جنگیدن به مبالغ شغل و حرفة و اصرار معاش خود و خانواده هایشان سگاه می کند علاوه بر این بر اثر طولانی شدن در گیریها ممکن است تسل جوالی از جنگجویان بیرون آید که نهاین عمر خود را در میدان میازره گذراند و اخبار کار و حرفة خاص دیگری نیاموندند باشد بنابر این پایان یافتن جنگ منافع و موقعیت آنها را در معرض خطر قرار می دهد و موجب موضع گیری آنها بر علیه صلح خواهد شد، در این رابطه راه حلها مختص پنهان می شود که رایج ترین و ظاهرآ ساده ترین آن ادغام و ترکیب این نیروها در نیروی ارتش ملی و پلیس است، اینجا نقطه ای است که این معضل با دو میان معضل

که نباید آن را صرفاً پرورش بازاری یا توسعه اقتصادی با سیاست کشور نامید بلکه با توجه به هدف و غایب نهایی آن، پرورش دموکراتیک شده افغانستان شاید بهترین عنوانی باشد که می توان برای آن برگزید.

دموکراتیک شدن افغانستان در ابعاد و مراحل مختلف قابل بررسی می باشد، در رابطه با مورد اول برای این پرورش می توان دو بعد داخلی و خارجی در نظر گرفت، هر چند ساتجه به مباحث چون جهانی شدن و گسترش ارتباطات از اعتبار مفاہیم چون داخلی و خارجی تا حدود زیادی کاشه شده است ولی هنوز هم نمی توان چنین تفکیکهای را به کلی تبدیل نکرد، ضمناً این که قابل شدن به چنین تفکیکی، بوزیر در رابطه با افغانستان، تداخل عمیق میان این دو بعد را آشکارتر می کند، در رابطه با مورد دوم یعنی مراحل دموکراتیک شدن باید گفت که ما در اینجا تفکیک یا مرحله بندی خاصی بر اساس تأثیرهای سیاسی را بعد نظر قرار نداده ایم بلکه این تفکیک مرحله بندی پیشتر با توجه به شرایط و الزاماتی است که در افغانستان وجود دارد، در این چارچوب در بعد داخلی و به ترتیب اولویت سه مرحله اصلی را پیش دو داریم: ۱) ایجاد امنیت و ثبات در کشور ۲) ثبت نظام سیاسی ۳) بوساری اقتصادی، در بعد خارجی نیز دو مرحله قابل تشخصیس است: ۱- استثمار حضور نیروهای بین المللی، ۲- استقرار تکمیل و مساعدتیای بین المللی.

الف- مراحل پرورش دموکراتیک شدن افغانستان در بعد داخلی:

ما نیازمند غذا و نیازهای بندکه محتاج امنیت هستم چرا که اساساً هیچ افعالی در طول تاریخ در این گرسنگی و فقر دست به خودکشی نزدی است، (۳) این تکمیل صهم در همایش بازاری افغانستان در اسلام آباد مورد توجه قرار داده است.

هر چند این سخن کمی اغراق آمیز به نظر می آید ولی این نکته درست است که در طول دو دهه اخیر برقراری امنیت و ثبات مهمترین اوایل و ضرورت مردم افغانستان بوده است و همین ساله باخت شد طالبان با شعار برقراری امنیت در سراسر افغانستان بتوانند در ابتدا توجه مثبت مردم را به خود جلب کنند، برقراری امنیت نه تنها در افغانستان بلکه در تمامی نقاط دنیا پیش شرط اصلی هر تحول و تغیر مثبت تلقی می شود در این راستا در تأسیس کشورهای دنیا ساختارها و نمادهای ایشان مجمون ارتش، پلیس، سرویسهای امنیتی... از سوی دولتها در سراسر کشور حضور دارند و از ارکان مهم حکومهای دموکراتیک و سایر حکومهای محسوب می شوند، این در حالی است که در افغانستان به دلیل دو دهه جنگ و نبرد دولت مرکزی مقصد این ساختارها عملایاً هم پائیده و برقراری امنیت پیشتر جبهه منطقه ای، قیله ای و خوشابندی و حتی

لایسی امنیتی در افغانستان، یعنی فقلان ارتش ملی و پلیس، گزه مسی سوره.

از زمان تشکیل اردوی ملی در زمان دوست محمد خان (۱) تا کون به تاریخ بر نقش این نهاد در افغانستان افزوده شده است، هر چند این نlood فراینده اغلب شهرهای اصلی و بوریه پاییخت و نواحی اطراف آنها را دربر من گرفت و مسلط و نواحی روستایی دوره است و مرزی از کنترل کامل ارتش و دولت مرکزی خارج بوده است. در این شرایط ما گوشتای نظامی دلوهخان بر علیه ظاهر شاه زمینه تختیم مداخله مستقیم ارتش در سیاست و حکومت افغانستان فراهم شد و از آن زمان تا سقوط دولت تجیب که تمام شد با فروپاش ساختار ارتش ملی و همچنین پلیس و سازمانهای امنیتی، ارتش یکی از ارکان اصلی قدرت محسوب می شد. با سقوط دولت تجیب ۱۹۷۳ ارتش

از هم پاپید و نیروهای آن نیز مفرق شدند و با برخی سه گروههای

جهلای پوسته و آن طوریکه گفت من شوه تعدادی از همین افراد تعیین دیده تقطیم بعدها به خدمت طالبان در آمدند و در آموزش و هدایت این نیرو ها نقش مهم داشتند پس از انحلال ارتش، گروههای مسلح وابسته به قوماندان محلی و حزبی کنترل امنیت کابل و سایر نقاط افغانستان را در اختیار گرفتند. تامین مالی این افراد مسلح، که برخی تعداد آنها را رقمی تزدیک به ۲۰۰ هزار نفر ذکر کرده اند، از طریق این قوماندان و با از طریق خشایم حاصل از جنگ تامین میشد. اکنون که جنگ در افغانستان به تمام رسیده است، برای برقراری ثبات و امنیت باید برخی خلع سلاح این نیروهای برخی دیگر تلفیق و ادغام آنها را در یک ارتش ملی و نیروی پلیس جایز مطرح می نمایند که هر دوی این یانهادها با مشکلات خاص خود روبرو اند. در مورد اول امکان خلع سلاح این نیروهای جنگی این نیروها دشوار است خمن اینکه چون اغلب این نیروها کار و یکه خاصی ملارید از نظر اقتصادی یا مشکل روپردازی وجود ندارد و ممکن است به فعالیتهای تحریری رو آورند، در مورد دوم ادامه این نیروها و تشکیل ارتش ملی منجر نیز مشکلات عده ای وجود دارد که مهمترین آن تامین مالی این ارتش برزگ که بالغ بر ۲۰۰ هزار نفر می شوند، می باشد که به نظر می آید خارج از طریق و توان یک دولت ناز، پا و یا صلح محدود است (چنین اتفاقی در موزامبیک رخ داد و نیروها و گروهای مسلح در یک نیروی بزرگ ملی ادغام شدند و از فراینده خلع سلاح صرف نظر نمودند، تجیب این بود که دولت توانست معابر این سربازان را تامین کند و باعث بروز نارضایتی و سرانجام سورش در میان آنان شد).

با توجه به آنچه گفته شد به نظر می آید خلع سلاح و تشکیل اردوی ملی دو ضرورت ایکار نایابی و در هم تبده برای ایجاد امنیت و ثبات در افغانستان می باشد و باشد برخانه ای دقيق و حساب شده

برای محل توأم این دو مسئله پیدا کرد، در این جهت برخی پیشنهادات نیز ارائه شده است از جمله آفسای سلطان غزیز متأثر ارشد تعاونیه سارمان محل در کفرلش اسلام ایاد در موزد بارسازی افغانستان خلع سلاح را کامن برق نمود و همین در جهت تشکیل یک ارتش ملی دانسته و طرسی را از اهانه می کند، که بر ایناس آن اردویی ۸۰ هزار نفری شامل ۶۰ هزار بیوی زمینی، ۸ هزار نیروی هوایی و ۱۲ هزار نفر نیروی پلیس - ملی یک دوره پنج ساله بوجود آید. (۵) از دیگر پیشنهادات در خور توجه الگوی است که اتحاد انسانیل دیس دبلیو سیگر در مقاله ای با عنوان الگوی جدید ارتش افغان ارائه می دهد و بر اساس آن یک ارتش ملی کوچک و لیس قدرتمند در کنار پلیس و نیروهای امنیتی محلی که وظیه امنیت ولایات را سواهد داشت، فعالیت خواهد داشت. (۶)

ب- تثبیت نظام سیاسی:

با به ریزی و استقرار یک نظام پایانی یکی دیگر از ابعاد مهم پیروزه ای را شکل می دهد که ما این را دموکراتیه شدن افغانستان تام نهاده ایم. پس از وقوع یک کوتناخی موقعی با به شو رسانید یک انقلاب، نظام سیاسی گذشته فرمی پاشد و نلاش برای شالوده بندی این نظام جدید متنی بر تقدیرات و یا ارزشیهای جدید آثار می شود بلکه کو دنا ها معمولاً ساختار سیاسی بخلی دیگر گون نمی شود بلکه تغیراتی در آن بوجود می آید، در حالیکه در انقلابها ساختارهای جدید کامل املاک املاک از گذشته خواهد بود و نخبگان جدید ارزشها و تقدیرات توانی را در این ربطه مد نظر قرار می دهند. اما احساس نیاز به استقرار یک نظام سیاسی پایانی پس از جنگهای داخلی به مرتب قویتر و لحاظ آن دشوارتر است زیرا در طول جنگ داخلی ساختارها و شالوده های اصلی نظام سیاسی و اقتصادی پیشنهاد می شود و تغیرات نیز همانند انقلابها نیست که نخبگان فکری و سیاسی الگو و طرحی جدید برای نظام ایده ارائه نمایند. بلکه بر عکس در طول جنگ داخلی جامعه ممکن است اغلب نخبگان فکری و سیاسی خود را از دست بدهد. علاوه بر اینها برای رفع بحران و جنگ داخلی نخبگان و متفکران سیاسی موجود نیز نمی تواند دست به اقدامات انقلابی بزنند زیرا ممکن است باعث هرزوی بحران و جنگ مجدد شود؛ این همان نکته ای است که رئیس دولت انتقالی افغانستان در پاسخ به خبرنگاری بی می سی که از حضور افرادی که او آنها را جنگ سالاران خواند در کایسه دولت انتقالی سوال نمود - به ان اشاره نموده و پیشرفت باید تدریجی باشد. ما در افغانستان انقلاب نمی کنیم بلکه در حال تغیرات تدریجی باشیم. ما در افغانستان انقلاب نمی کنیم و از طرفی که همه با آن موافق هستیم، در این شرایط کار شکل دادن و از تثبیت یک نظام سیاسی بسیار دشوار می باشد و قرم دور ندیشی فوق العاده می ظلد که یکی از این تکثیر مونو و کارآمد استفاده از

حاضر بسیار شکننده نیز می باشد. از بین بزرد و او سوی دیگر ساختهای دولت مرکزی (همجون ارشن پلیس) آنقدر استحکام بیافته که به مقابله با این افراد بپردازد و یا امنیت و کنترل این نواحی را مستحکم بر عهده گیرد. با توجه به حسین دشواریها بود که وقتی دولت انتقالی در لواست نتیجه اتفاق نهادن به اصلاحات اداری و دولتی در ولایات نموده برسی آثاره شسته دو لاه تسبیه نمودند که از بیک طرف باعث افتخار عواث مرکزی می شود و از طرف دیگر ممکن است زمینه نا ازایی و تشنج مجدد را فراهم نماید.

اقاییها و ترتیقات قومی و مذهبی یکی دیگر از موضوعات مهم است که می تواند در شبیه سازی خانه سیاست در افغانستان نقش موثر داشته باشد. البته مسئله قویمت و اقتیادها مختص افغانستان است بلکه اغلب ملتها چند پاره با آن روی رو هستند برخی ملتها می تکنند به هویت ملی و ارجاعی آن بر هویتیان دیگر توائیتند آن بسر پاره ای این مشکلات فایق آید و برخی نیز همچنان این مشکلات را پیش رو دارند. جالب اینجاست که انتظار می رفت با ظهور بدینه های چون جهانی شدن بحث هویتیان قومی و اقتیادها کم رنگ می شود اما آنچه که در عمل اتفاق افتاد این بود که جهانی شدن عکس العمل دوگانه را موجب شد، بدین ترتیب که هم روابط مردم مسلط مختلف دنیا را به هم نزدیک کرد و احساس همسنگی جهان وجود دارد و هم بیرونی مقاومی در برپایر این فرآیند بکار چکی شکل گرفت که در آن تأکید بر هویتیان قومی، محلی و یا مذهبی باشد. فشاری بینشتری دنیا شد، به نظر من آید جگ طولانی مدت در افغانستان نیز چنین دوگانگی را به وجود آورده است. از سکجهت مصالوب و خستگی ناشی از جنگ و همچنین مهاجرتها احساسی از عویض مشرک، رادر آنها بوجود آورده است و در جهتی دیگر این چنگها شکایتی قوی و حتی مذهبی را که حدت زمانی طولانی به صورت پنهان و سرکوب شده در جامعه افغانستان وجود داشت اخیا نمود. آنچه که برای مقابله با این تصادها و دوگانگی ها باید انجام داد نیاز به تحقیقات و برترانه ریزی بلند مدت دارد، اما در وضعیت فعلی باید شرایط را برای حضور و مشارکت فعال همه گروهها در ساختار سیاسی آینده افغانستان فراهم کرد و این همان نکه ای است که در موافقنامه بن نیز تأکید خاصی بر آن شده است: حاکمیت موقت و کمیون مسقل مخصوص تدویر لوبه جرگه اضطراری سعی جدی خواهند کرد. تا مشارکت زنان و اقلیتیان قومی و مذهبی را در دولت موقت و لوبه جرگه اضطراری تأمین کند. علی رغم اینکه لوبه جرگه اضطراری در قرار نمودن زمینه این مشارکت تا حدودی موفق بود ولی برخی تواقی و کاسته های نیز وجود داشت که با توجه به برگزاری لوبه جرگه قانون اساسی و انتخابات ریاست جمهوری در آینده به رفع چنین تواقی می تواند در پایه ریزی اعتبار و

تحربیات و ساختار سیاسی گذشت و تلفیق آن با نیازهای جدید است. هر چند که طولانی شدن جنگ در افغانستان باعث شده تا مردم جهان ذهنیت محدود و نیزه و تار از گذشت داشته باشند ولی تقطعاً اتفاق نهاده، بخصوص لشهای دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی دوران آرامش و ثبات افغانستان را تزیاد تجویخته بود. یکی از بخیگان افغانستان در این رابطه می گوید: «مقصران اوضاع پنج سال قبل افغانستان را علاوه تغییر خود قرار می دهد و نظم افغانستان در ۲۰ تا ۵۰ سال را به سادگی فراموش گرده اند. اما کاش غریب به شما بگوید که در سال ۱۹۷۷ هشت زن در کابیه افغانستان در نجتین سفر به اروپا حضور داشتند» (۸) نایبر این بهره گیری از تحریفات این دوران و تلفیق آن با نیازهای جدید می تواند راهکاری مبتذل تلقن شود. البته ناگفته نشاند که پیش از این و در زمان خروج روسها و شروع درگیریهای داخلی نیز این موضوع از سوی نماینده دیپلماتیک سازمان ملل مورد توجه فرار گرفت بطوریکه وی تلاشها گستردۀ ای برای تشکیل لوبه جرگه انجام داد که متأسفانه به دلیل برخی عوامل بوسیله دخالتها خارجی ناکام ماند، اما در وضعیت فعلی و پس از قبایع پاردهم سپاهبر که باعث شد عزم و اراده داخلی و خارجی بر استقرار نظام نوآمدند و بایانات در افغانستان قرار گیرد، این راهکار اساس و شایوده نظام آبتد و اشکل داده است. تأکید موافقنامه بن بر تشکیل لوبه جرگه اضطراری و تعیین حکومت انتقالی از این طریق، استفاده از قانون اساسی (۱۳۷۴) برای دوران حکومت انتقالی و همچنین فراغم نمودن انتخابات لوبه جرگه قانون اساسی از مهمنشی نشانه های بهره گیری از تحریفات گذشته محظوظ می شوند. اما نکه ای که در اینجا حائز اهمیت می باشد این است که این بهره گیری باید با تلاش برای رفع مشکلات و کاسته های گذشته و همچنین بالحافظ نمودن نیازها و شرایط جدید جامعه توأم باشد.

پنکی از این مشکلات بزرگ که در حال حاضر در افغانستان وجود دارد و ناحدوه زیادی ریشه در گذشت دارد، و چنگیان طولانی نیز آن را تشدید کرده است. ضعف افتخار دولت مرکزی در ساحه خارج از پایتخت است. پس از اضافی توقفنامه بن و تشکیل دولت موقت افغانستان اغلب فرماندهان محلی از یکپارچگی و اتحاد کشور و از دولت مرکزی حمایت کردند اما برخی از این افراد در عمل دوبه دیگری در پیش گرفته و گروههای تقلیل و فدایکار نزد را در نزد این خلخ نکردند و یا قوانین و مقررات خاص خود را در پیکدیگر درگیر شده و موج نا امنی این نواحی شدند. این وضعیت دولت مرکزی را در تکنگی دشواری قرار می دهد زیرا از یکی دولت مرکزی نمی خواهد با مقابله و برخورد با این افراد اجماع نظر بوجود آمده در زمینه برقراری صلح و ثبات افغانستان که در حال

انجام اصلاحات اساسی نه مظلوم، همراهانگی با شرایط جدید منطقه‌ای و یا جهانی، به مراتب دشوارتر از آن کاری است که ممکن نیست در افغانستان انجام دهیم تیرا در افغانستان ما باید از صفر شروع کنیم و امکان پیدا کردن هر سیاستی، با در نظر گرفتن شرایط مختلف ای و سهانی وجود دارد و مقاومت خاصی در برابر آن حورت نمی‌گیرد، (۱۱) به ظریف آند همن ماله بکی از نکات مهمی است که می‌تواند موقعیتها را پیش‌بینی اقتصادی دولت انتقالی در مدت زمانی کوتاه‌پیش از استقرار آن توجه کند. به گردش در آوردن بول ملی جدید، تصویب قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حذف گزند سرمایه خارجی، استفاده از موقعیت ترازیست افغانستان و اعفاء موافقنامه‌ها و قراردادهای مهم تجاری و ترازیستی با کشورهای همسایه و منطقه که باعث خارج شدن افغانستان از ازوابای چند دهه ای شد و حضور غمال بخل خصوصی اعم از خارجی و داخلی و دیگر موارد اینچنین موجب شده است تا بخشن اقتصادی را بتواند موفق ترین و غمال بخل خصوصی اعم از خارجی و داخلی و آن دولت انتقالی داشت یا این همه این حوزه نیز یک تعطله آسیب پذیری دارد و آن این است که تازمانی که ساختارهای جدید در آمد زامن کافی برای دولت اینداد تهاید به اتفاق و ایستگی دولت به کمکهای خارجی یک ضرورت احتساب نایدیر است.

۱- بعد خارجی پروسه دموکراتیزه شدن افغانستان

الف- حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح در افغانستان

در اویین خصمیه موافقنامه بین که به حضور نیروهای بین‌الملل و تامین امنیت در افغانستان اختصاص دارد چند نکته مهم مورد تأکید فراز گرفته است: امنیت و مسئولیت حفظ ظلم و اوازمی بر عهده خود گذاشته اینها من بالکن، درخواست از جامعه جهانی برای کمک به مقامات افغان برتری شکل و آموزش نیروهای خدید امنیتی و سرانجام استقرار نیروهای سازمان ملل تا زمان تشکیل و تجهیز نیروی امنیتی جدید افغان در کابل و نقاط اطراف آن که در حوزه ازروم می‌توان مأموریت آنها را به سایر شهرها و مناطق گسترش داد با توجه به محدود این خصمیه می‌توان این فست از نواع اتفاقات بین را یکی از مهمترین بخثها و نیاز یکی از بزرگترین دستاوردهای آن دانست. اهمت این خصمیه در برداختن به اولین تیاز و خبرورت یعنی برقراری امنیت و ثبات است و تدبیر و دوراندیشی در تنظیم مقادن برگزین دستاورده است زیرا از یکسو با تأکید بر واکنشی امنیت به افغانها بر استقلال و تمامیت ارضی افغانستان پنا فشاری شده و از سوی دیگر مشکلات مسد مدت تشکیل نیروی امنیتی جدید در نظر گرفته شده و در این مورد در اقدام اساسی، یعنی درخواست از

شوریت دولتی‌ای آینده نقش مهمی داشته باشد شفاف تر نمودن هر چه ستر نحوه انتخاب اعضای لوبه جرگه بها دادن به جرگه‌های ولایات و از همه مهم‌تر پیگیری اجرای طرح سرمایه‌ای عمومی افغانستان که به وسیله آن می‌توان آمار دقیق قربتها و اقتیتها را متخصص نمود، می‌تواند در این مسیر کمک شایانی کند.

ج- نوسازی اقتصادی افغانستان:

در جهان کوئی مسائل اقتصادی روز به روز اهمیت پیشتری پیدا می‌کند، به نحوی که به نظر می‌آید اکنون بولویهای اقتصادی بر اولویت‌های سیاسی پیشتری یافته است و این فاکتورها و عوامل تقاضی تعیین کننده ای در وضعیت داخلی کشورها و نیز در روابط فی مالین آنها ایما می‌کند. بنابراین ممکن است این تصور بوجود آید که در افغانستان نیز می‌توان برای نوسازی اقتصادی اولویت پیشتری قابل شد این در حالی است که پلیس تاریخی افغانستان شان می‌دد که تا کنون اولویت‌ها و نیازهای اقتصادی تقاضی بسیار کمی در تحولات این کشور داشته‌اند و کمتر پیش آمده که دولتی در افغانستان بر اثر چنین عواملی سقوط کند. دلایل متعددی می‌توان برای این وضعیت بررسید مجمله اقتصاد روسایی و مبنی بر کشادزی، خود تکالیف اقتصادی محلی، و عدم نفوذ کامل دولت در مناطق خارج از پایتخت و شهرهای بزرگ که در نتیجه باعث کاهش وابستگی مردم ایس مناطق به دولت شده است. علاوه بر این از جنبه روابط‌ناختی نیز مردم افغانستان مردمی قائم و معتقد بوده اند که به حداقل سطح زندگی راضی اند و در عوض نسبت به بدخشان مسائل چون آزادی، غرور، نجواز به حقوق، و قلمروشان بسیار حساس و تحریک پذیر هستند. این شرایطی است که در چند دهه اخیر نیز چندان تعییر نکرده است و آذای کریزی نیز به آن شاره می‌کند: «فاکلار عمومی از ما تعلم و تربیت و آموزش درست می‌خواهد تأمین حقوق زنان از مهمنزین در خواستهای اینها به صورت اشکار از ما می‌خواهد، اما این مردم تجیب تایه حال از ما درخواست آب و شان نکرده اند» (۱۰)

طبعی است که در آنده ممکن است تغییرات در بینش مردم پدید آید ولی در حال حاضر این موضوع می‌تواند به دولت تازه پایی افغانستان کمک ساید تا فلار کسری برای بازسازی اقتصاد افغانستان متحمل شود. البته شاید بکارگیری لطف بازسازی اقتصادی افغانستان چنان صحیح ناشد زیرا ما توجه به دو دهه جنگ داخلی پیشتر نهاده ایم رفته بطوری که می‌توان گفت اقتصاد افغانستان به نقطه صفر بازگشته است. هر چند این موضوع کار را دشوار می‌کند ولی از بعضی جهات مزینهای در پی دارد. «کمتر اسماعیل کریم یور مشاور اقتصادی دولت انتقالی به این موضوع اشاره می‌کند که: «تغییر ساختار یک اقتصاد دولی به حسوسی با

یکی از اعضای آن است می‌تواند در رفع این دوگانگی موثر باشد.

ب- استمرار کمکهای بین‌المللی به افغانستان:

برگزاری کنفرانس بین‌المللی توکیو در دوزهای ۲۰ و ۲۲ زانویه ۲۰۱۲، یعنی درست یک‌ماه پس از آغاز پکار دولت موقت افغانستان چشم اندازی امیدوار کننده و روشن پیش روی افغانها نهاد زیرا اگر چه این کنفرانس از جهت تعهدات مالی در رابطه با افغانستان حائز اهمیت بود ولی آنچه به مراتب اهمیت پرتری داشت این بود که این کنفرانس نشان می‌داد که عزم و اراده جهانی بر حاتمه چنگ در افغانستان و بهبود شرایط در این کشور قرار گرفته است و حضور افغانستان و وزرای ۲۱ کشور جهان و ۲۱ سازمان بین‌الملل در این کنفرانس نشان دهنده همین موضوع بود. در این کنفرانس بین‌الملل متعهد شد که کمکی بالغ بر ۱۱۸ میلیارد دالر در سال ۲۰۲۰ به افغانستان اختصاصی یابد و علاوه بر این تعهدات پلند مدت دیگری نیز از سوی برخی کشورها اعلام شد که در مجموع کمکی در حدود ۴۵ میلیارد دالر جهت بازسازی افغانستان و عده داده شد. احصای چنین کمکها و اعتبارات تقدیم می‌شود در اجرای موافقنامه بین‌سر اساس چارچوب و زمانتبدی اعلام شده و موقوفه نسبی دولت موقت و انتقالی افغانستان داشته است.

اکنون که دو سال از آغاز به کار دولت جدید می‌گذرد و برقراری ثبات و آرامش نسبی زیسته برآورده دقیق‌تری از خسارتها و زیانهای ناشی از دفعه چنگ را فراهم آورده است این موضوع روشن شده که افغانستان برای حرکت به سمت توسعه و بازسازی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به کمکهای بسیار پیشتر از آنچه که در اجلاس توکیو توانسته بوده بطوریکه تخمین زده می‌شود که برای پنج سال آینده کمکی در حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دالر ضروری می‌باشد این مبالغ هزینه‌های ارتقا طی زمین و هوایی ساختار و نمادهای زیربنای کشور همچون بازسازی ارشاد ملی و تیروی ایس، نشکل و تقویت دستگاه بروکر ای ای دولت، بازسازی بخش قضایی، گسترش و توسعه شبکه‌های ارتباطی زمینی و هوایی و همچنین شبکه‌های اطلاع رسانی و مخابراتی کشور صرف شوند به عنوان اینکه بختهای اجتماعی همچون بهداشت و درمان و تعلیم و تربیه لبی به کمکهای فوری نیاز دارند. در این شرایط توأم با این دستورالعمل توانی برای تأمین اینکه از اسانید افغانی اقتصاده در دستگاه بروکر اظهار تظر تموده «دولت افغانستان فقط قادر است ۱۱۲ بودجه کشور را از منابع داخلی تأمین کند» و مایلی باید از صایع خارجی تأمین شود، (۱۱) البته ناکفته شدید که این ضعف و ناتوانی دولت مرکزی مخصوص به شرایط فعلی نیست بلکه دولتهای پیش‌نیز در اجرای بروکرهای عمرانی و توسعه کشور متکی به کمکهای

جامعه جهانی برای کمک به تشکیل این نیاز و حضور نیروهای بین‌المللی برای تضمین امنیت تا زمان تشکیل این نیاز، انجام داده است. حضور موادر و عمل کرد مبتذل نیروهای حافظ صلح باعث خلوصی و رضایت مردم و مقامات افغانستان شده است بطوریکه برای تداول حضور این نیروها و همچنین گسترش دامنه فعالیت آنها در خواستهای سکرده شده است. انتقال فرماندهی نیروهای بین‌المللی به سازمان ناتو را می‌توان پاسخ مثبتی به درخواست اول قلمداد نمود، اما در مورد درخواست دوم که بویژه مورد تأکید دولت انتقالی افغانستان و شخص حامد کرزی می‌باشد تا کسون اقدامی صورت نگرفته است، هر چند چشم اندازهای مشی در این مورد وجود دارد، گرتش فعالیت نیروهای بین‌المللی در فرایر از محدوده کابل از جهات متعددی برای دولت انتقالی افغانستان بسیار با اهمیت است، گسترش فعالیت این نیروها باعث می‌شود تحریک احساسات ضد امریکایی توسط بقاپایی طالبان و القاعده به طور چشمگیری کاهش پیدا کند، اما از آن مهمتر این است که موجب کاهش قدرت و اخبارات برخی فرماندهان و خرمانهان محلی می‌شود که در حال حاضر با در اختیار داشتن نیروهای مسلح تحت فرمان خود نیست به برخی فرمانی دولت مرکزی می‌اعتنای نشان می‌دهند و با موجب بروز درگیریها و ناامنی های منطقه ای شاهد آن در خمینه اول توافقنامه بن‌ذکر شده است «شرک کنندگان سازمان ملل متحده عرب پاکه افغانستان متعهد می‌شوند تمام واحدهای مسلح را از کابل و برادران سایر شهرها و مناطق دیگر که آن نیروهای مجاز از سوی سازمان ملل متحده مستقر می‌شوند، خارج کنند» این بدان معنی خواهد بود که با گسترش حضور نیروهای بین‌المللی نیروهای مسلح فرماندهان محلی خلع سلاح و یا نایخوار به ترک این نواحی خواهند شد، علاوه بر این استمرار نیروهای بین‌المللی در خارج از کابل از جهت دیگری نیز با اهمیت است زیرا آنچنانکه صاحب نظران هتوان کرده اند هم اکنون یک دوگانگی در قبال افغانستان وجود دارد، پارک رویین در این زمینه معتقد است «آمریکا دو ساخت مختلف را در افغانستان دنبال می‌کند» (۱۲) از یک طرف وزارت امور خارجه در صدد مساعدهت به دولت مرکزی جهت تنظیم امور کشور است و از طرف دیگر وزارت دفاع به جهت پیگیری ساخت مختلف اعماقی القاعده و طالبان با فرماندهان محلی و روسای قبائل پشتون که خارج از اقتدار دولت مرکزی هستند همکاری می‌کند، این نکته در کنفرانس اسلو نیز مورد تأکید قرار گرفت که در این آمریکا در تامین امنیت داخلی افغانستان اینکا به رهبران محلی و مناطق مختلف داخل در آن کشور است و این مسئله باعث ضعف دولت مرکزی خواهد شد، (۱۳) باز این گسترش فعالیت نیروهای بین‌المللی که اکنون ناتو فرماندهی آنها را به عهده گرفته است و آمریکا نیز صرفاً

خارجی بوده اند این مسأله پاسخ دادن به این پرسش را که آینه در اینده و پس از گذار از دوران بحران کشوری دولت افغانستان همچنان ممکن به کمکهای خارجی بالغی خواهد ماند یا خیر، دشوار مماید آنچه که در این مورد می‌توان ساند این است که در حال حاضر اعلوی که وزیر مالی افغانستان، افای اشرف غنی، اظهار نموده است حداقل برای یک سال اینده افغانستان به کمک های خارجی نیازمند خواهد بود اما با توجه به موقعیت جدید افغانستان به عنوان همه توین محور توانیتی کالا و انرژی در منطقه و تیز منابع بکر و دست نخورده ای، احتمال کاهش واستنکر به کمکهای خارجی بسیار زیاد است. که البته این تحول به مدت زمانی طولانی و پایدار شرایط افغانستان نیاز خواهد داشت.

افغانستان و چشم اندیز آینده:

در حالی که نزدیک به دو سال از آغاز تحریر و تحولات و شروع به کار دولت جدید در افغانستان می‌گذرد اغلب این سوال مطرح می‌شود که پیروزه بازاری و دموکراتیک شده افغانستان تا پایه حد پیشرفت داشته است و آیا این حرکت به نحوی بوده است که چشم اندیز امیدوار کننده در مورد آینده افغانستان در اختیار قرار دهد؟ پاسخ به این پرسش طبقی از اظهار نظرهای متفاوت- از بدینه ترین تا خوشبینانه ترین تکریشها- را موجب شده است به اظهار نظرهای که به نظر می‌اید پیشتر تابع بازارها، توقعات و موقعیت‌های مختلف، باشد بر این اساس ممکن است میان یکی نظریکی از ساکنان ولایات دیگر و ساکن سطح نیکی از مستولین و مقاصد مملکتشی، مردم عادی تفاوت و اختلاف، چشمگیری وجود داشته باشد. این موضوع قضایت نموده در مورد پرسش مطرح شده را دستوار می‌سازد چنانکه پاسخ آقای اخضاع ابراهیمی عز سوده ناینسایپی مردم افغانستان از روی نارسایی این دشواری، را موضوع مشخص می‌کند هم درست من گویند هم انتباخته آنان درست من گویند زیرا خواسته‌های مردم بسیار زیاد است ولی آنچه انجام شده بسیار اندی و به الداره انتظار آنان بوده است. آنان انتقام می‌گویند، زیرا برخلاف این اظهار نظر که کاری انجام نشده است و تحولات چشم گیری بوده است کارهای زیادی انجام شده است، (۱۰) با این عده شاید بتوان با در نظر گرفتن برخی جنبه‌های معبارهای کلی از این نگاه خارج شد و چشم اندیزی قابل تقدیم و پرسی تسبیت به آینده افغانستان ارائه داد.

استحکام و کارآمدی ساختار سیاسی موجوده در افغانستان پیکی از این جبهه‌ها است که می‌تواند پیشنهاد اندیزی از آینده در اختیار قرار دهد. شاید میری شدن مدت زمانی کمتر از دو سال، زمان بسیار اندکی برای اظهار نظر در این زایده به نظر آید اما با این وجود برخی عوامل وجود دارند که در همین مدت زمان کوتاه نیز استواری با عدم

استحکام و کارآمدی ریشه‌ای یک نظام را مخصوص من کنند کما اینکه در زمان خروج دولتها و تشکیل دولت پشاور برخی کارشناسان از همان ایندا آنرا ساختاری می‌دانند. که بیش از آنکه یک دولت بروکاریک در تعیید باشد صرفاً ساختاری برای انجام نیروهای مختلف جیوه ساقط نمودن حکومت کمونیستی بوده است. (۱۶)

در شرایط جدید افغانستان پایه بریزی نظام سیاسی حدید بر اساس توازنیهای بین یکی از عوامل مهم تیزی و کارآمدی نظام سیاسی در افغانستان محسوب می‌شود. زیرا این توازنیه با اجتماع نظر همه نیزگان و مردم افغانستان (اغم از آنکه در داخل گذشت) خضرور داشته و آنکه در فهرجوت و بنا در تعیید بودند) بذمت آمد. موردی که در هیچ یک از توازنیهای قابلی (مثل پشاور) پس اسلام آناد) در نظر گرفته شده بود. علاوه بر این اجلال من او پیشنهاد اعلیٰ مستحکمی نیز برخوردار بوده بطوری که بلاعده این از شکل و استقرار دولت موقت تمامی گذشت این ایجاد رسمی شاخته از مزایای مهم دیگر توازنیه بین این ایجاد که ساختار و ترتیبات دقیق از نظام سیاسی آینده افغانستان، رساند بدی و نحوه انتقال قدرت، قوانین حاکم در دوران انتقالی، احیارات و وظایف هر یک از مستولین و نحوه عزل و تعیین آنها و نیز مستلزم حقوقی و قضایی حاکم در این دوران را مخصوص نموده است. که در عین این موارد به پیشنه و تجارت تاریخی افغانستان نیز توجه است. با توجه به این نکات به نظر می‌اید حرکت نظام سیاسی بر اساس زمان بدی و برخانه ریزی و بطور کلی در چارچوب این توازنیه می‌تواند یکی از معابرها اصلی تیزی توازنیه شود، امری که اشتبون تا حدود زیادی محقق گشته است و باید تلاش جدی همورت گیرد تا در آینده نیز جنین وضعیت حفظ شود علاوه بر اینها، ساید سعی و کوشش دیگری هم صورت گیرد و آن اینکه اجتماع نظری که در رابطه با استقرار صلح و تیزیات در بین نجگران افغان حاصل شد افغانستان پایدار بماند. زیرا طبعی است که گروه‌ها و مطوفهای حاضر درین از طبقه‌ای متفاوتی بودند و اختلاف لظرهای بین میان این وجود داشت. (نکته‌ای که بعد از گذشت دو سال برخی جلوه‌های آن آشکار شده است) ولی مهم این است که این اختلافها ناید تبدیل شود و از افراط گرایی بررهیز نمود و شرایطی را فراهم کرد که نظرات مختلف «در نظام» تحمل شود تا زمینه حصور مخالفین و معاهدین با نظام فراموش شود.

برقراری امنیت و ثبات در سراسر کشور یکی دیگر از جنبه‌های مهم ایست که می‌تواند در توصیه چشم اندیز اینده نقش موثری داشته باشد. برای ایجاد امنیت که خروزی ترس و قبوری ترین تیاز جامعه افغانستان محسوب می‌شود اقداماتی مسوزت گرفته است. که اغلب آنها ممکنی به حضور پیروهایی بین اسلامی بوده است، زیرا

توانسته اند پنج هزار نفر از افراد اردوی ملی را آموزش دهند و تا سال ۲۰۰۱ این تعداد به ۱۷۰۰۰ نفر می‌رسید که این مقدار نیرو قابل برآورده تأمین است در سراسر افغانستان نیست. (۱۸) درک اهمیت این مسخن زمانی آشکار تر می‌شود که بدامن تنها یکی از قوماندانان محلی افغانستان ۲۰۰۰ نیروی مسلح در اختیار دارد. سه رحال آنچه در مجموع می‌توان گفت این است که شاهماهیگانی های موجود در افغانستان و همچنین کنندی فرایندهای خالع مسلاخ و تشکیل اردوی ملی عوامل بازدارنده در پیشرفت و توسعه افغانستان محسنه اهلند بود.

اگر چشم انداز آینده افغانستان را در ابعاد مختلف سوزد توجه فراز دهیم با اطمینان زیادی می توان گفت که مدیریت و دیپلماسی دعالت و پویایی وزارت امور خارجه با حفظ تعادل بین چالانها دروسی و سرومنی توانسته است اطمینان می اسنهای منطقه و فرا منطقه ای را به خود جلب تماید و بستر مناسب زا برای سیاستهای اقتصادی و سرمایه گذاری خارجی فراهم نماید، در همین راستاروشن تربیت و آموزیدوار گشته ترین فضیه حوزه اقتصادی بوده است و تاکنون قدریت و اقدامات مثبت زیادی در این مورد صورت گرفته است. موقفت در گرددش در آوردن یول جدید ملی، تصویب قانون تجارت و سرمایه گذاری خارجی و حذف گستردگی و سرمایه های خارجی، تعهد موافقنامه های مهم تجاری، ترازیتی و انتقال ارزی یا کشورهای مختلف منطقه و موارد دیگری از این قبیل نشان از این دارد که افغانستان بسیار سریع توانست خود را در ساختارهای اقتصادی منطقه و حتی جهان ادغام تماید و این مسأله را باید پیشتر مرهون دو عامل یعنی بهره گیری از مشاوران و متخصصان بررسیه و نیز بهره گیری در موقعیت ممتاز منطقه ای افغانستان، داشت. علاوه بر این در برخی حوزه های اجتماعی همچون تعلیم و تربیه، اطلاعات و کاتشور دولت تا حد زیادی موفق عمل نموده است.

اما در رابطه با حوزه اقتصادي نيز نکاتي در خود شامل وجود دارد. يكى از آن موارد مهم اين است که در حال حاضر اكتر سرمایه گذاریهاي خارجی و داخلی و نيز پروره های عمرانی معطوف به کابل و نواحی اطراف و با در سهایت برخی شهرهای بزرگ شده است. این مسأله می تواند در بلند مدت پیامدهای ملکی ایجاد کند در وهله اول باعث می شود شکاف زیادی میان وضعیت اقتصادی مناطق مختلف به ویژه شهرهای بزرگ و سایر نواحی بوجود آید. در این صورت از آنجا که بیشتر جمعیت افغانستان روستائی هست (برخی برآوردهای گذشته رقم ۱۸۰ را لشان میدهد). و اقتصاد مردم افغانستان ممکن به کشاورزی است به این موضوع می تواند تعامل به شهر نشین و مهاجرت از روستا به شهر و یا از شهرهای کوچکتر به بزرگتر را فوق العاده گسترش دهد که نتیجه آن گسترش تراکم

برقراری نظم و امنیت توسط دولت نیازمند اجرای دو بروسه مطوانی است، بدین‌جهت، یعنی خلخ سلاح و تشکیل اردو و پیش ملی، مسی باشد. اگر چه در موافقنامه بن بر حضور نیروهای بین‌المللی تا زمان انجام این دو بروسه تأکید شده است اما مشکل اساسی این است که این نیروها در حال حاضر صرفاً در نواحی کابل و اطراف آن مستقر شده‌اند و این موضوع باعث شده که ساختار امنیتی دوگانه در افغانستان حاکم شود. بدین ترتیب که در کابل و حومه آن و صمیم امنیتی به دلیل وجود نیروهای حافظ صلح در حد مطلوبی قرار دارد حال آنکه در سایر ولایات شرایط امنیتی متفاوت را شاهد هستیم، مثلاً در نواحی غربی و هرات شرایط امنیتی در حد نسبتاً مطلوبی است، در ولایات شمالی قوماندان و حاکمان محلی متعددی وجود دارند که هر یکی قوانین و نظام امنیتی خاص خود را دارند و هر از چندگاهی با هم در گیر شده و امنیت متفاوت را برهم می‌زنند در جنوب و ولایات های چون قندهار اوضاع امنیتی نامطلوب است که اغلب آن را به استمرار حضور و فعالیت بقاپایی القاعده و طالبان نسبت می‌دهند ولی انگوشه که تعاونیه دیگر کان سازمان مثل می‌گویند در این منطقه نیز بعضاً در گیریهای روح می‌داد که اکثر چه سه طالبان و القاعده نیست داده می‌شوند ولی طالبان و القاعده در آن نقشی تدارسان و در حقیقت در گیری میان فرماندهان محلی با مقاومت و مردم منطقه است. (۱۷) این تفاوت‌های عجیب در امنیت مناطق مختلف افغانستان یکی از نقاط خطف اساسی ساختار جدید سیلیس افغانستان محروم می‌شود و به همین دلیل است که رئیس دولت انتقالی افغانستان مکرراً در خواست گشترش حضور نیروهای بین‌المللی سه خارج از کابل را تقدیم کرده است که شاید با انتقال فرماندهی سه سازمان شناس به زودی ذمیه چنین اقدامی فراهم آید. حضور نیروهای بین‌المللی در خارج از کابل به قرایب خلخ سلاح در افغانستان تیز کمدک خواهد شد زیرا بر اساس معاد توافقنامه بن در صورت استقرار این نیروها بر هر منطقه ای این نیروها متعهد می‌شوند که واحدهای مسلح را از آن مناطق خارج کنند لایه مکملی که از اینجا وجود دارد این است که خلخ سلاح این افراد مستلزم برنامه ریزی برای آینده آنها و نحوه حلز آنها در جامعه افغانستان است که این موضوع هزینه های هنگفتی را در هی خواهد داشت.

علاوه بر خلع سلاح تشكیل اردوی ملی و نیروی پلیس نیز ساختگاهی روبروست که شاید بتوان آن به دلیل کم توجهی است که در اندیشه فرایند تغییر و تحولات تسبیت به آن صورت گرفته و برآمده ریزی و تأثیر اعتبار دقیقی برای آن نشود. با توجه به همین ساله است که فرایند تشكیل اردوی ملی با سایر تغییر و تحولات سریع بوجود آمده هماهنگی ندارد و بسیار به کلادی پیش می‌رود. در این مروره فرمانده‌ی ایاف چنین اظهار نظر نموده که تا کنون تنها

- ۶- مارت روپین، افغانستان: از کشور شکست خورده تا کشور صابن، مطالعات آسایی مرکزی و فقیران، ش ۲۸ ناستان ۱۳۸۱ می ۲۷۰
- ۷- مطالعه مطالعات آسایی مرکزی و فقیران ش ۲۸ ناستان ۱۳۸۱ می ۲۷۰
- ۸- افغانستان (مجموعه مقالات) نگارخانه کردستان از پژوهشگران ارمنیه مرتفعی امجدی و هوشیگ اعلمی، تهران: شهاد عابد، المعرف اسلام ۲۹۸، ۱۳۷۶
- ۹- مطالعه مطالعات آسایی مرکزی و فقیران ش ۲۸ ناستان ۱۳۸۱ می ۲۷۰
- ۱۰- آنچه ماتونل و بن دیبلو سکری، نگارخانه جلد اولی از اسناد افغانستان به میر احمد رضا منطقه، مطالعات دفاعی و امنیتی، شماره ۲۲ پالیز ۱۳۶۳ می ۱۴۵-۱۶۳
- ۱۱- مصاحبه آقای حامد کرزی با رادیوی سی اس سی به نقل از روزنامه سراسان ۱۳۸۷/۷/۱۲
- ۱۲- مصاحبه آقای اساعیل کریم پور با روزنامه همشهری مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۴
- ۱۳- رجوع شود به کودکو و هر سون، ص ۳۷۵ تا ۴۱۰
- ۱۴- مصاحبه آقای کرزی با روزنامه ایران مورخ ۱۳۸۸/۳/۲۱
- ۱۵- اساعیل کریم پور، پیشین:
- ۱۶- بارنت روپین، پیشین می ۲۷۹
- ۱۷- مطالعه مطالعات آسایی مرکزی و فقیران، ش ۲۸ ناستان ۱۳۸۱ می ۲۸۶
- ۱۸- سخنوار آقای اساعیل اسحقی اسلامی، Marvin g. weinbaum, war and peace in Afghanistan: role, Middle East Journal, VLA5no winter 1991, p 82.
- ۱۹- اخصر اربعین، پیشین.
- ۲۰- روزنامه نزد معاشران ۸۲/۶/۵
- ۲۱- گیاشناسی نوین کشورها، گردآوری و ترجمه عباس جباری، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیاشناسی ۱۳۸۲ می ۱۱۱
- ۲۲- مصاحبه آقای حامد کرزی با رادیوی سی اس سی، روزنامه نهضت ۱۳۸۲/۷/۱۳

جمعیت شهری و برور مشکلات متعدد اجتماعی در زمینه‌های اشتغال، بهداشت، تعلیم تربیه خواهد بود این در حالی است که براساس بعضی برآوردها رشد جمعیت شهری افغانستان طی سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۰ رقم بالای ۷/۷ درصد بوده است که طبیعاً با توجه به تحولات جدید این رقم افزایش پیدا کرده است.

اما نکته قابل تأمل دیگر در سعد اقتصادی این است که با توجه به محدودیت منابع دولت مرکزی اکتسوب انتکای اصلی دولت به کمکهای خارجی است و همانطور که یکی از کارشناسان نظام داده است در بهترین حالت دولت تها قادر به تأمین ۱۲ درصد بودجه می‌باشد و ما بقیه باید از کمکهای خارجی تأمین شود اگرچه با توجه به موقعیت جدید و ممتاز افغانستان در منطقه این وضعیت پایدار تحولات بود ولی غالباً تسامی اقدامات به این کمکها وابسته خواهد بود این اینکه باقی باید از کمکهای خارجی تأمین شود اگرچه با توجه به موقعیت جدید و ممتاز افغانستان در منطقه این وضعیت پایدار مسلح و برقراری امنیت، تشکیل اردوی ملی، بازسازی زیرساختهای اقتصادی، انجام اقدامات اجتماعی در زمینه‌های مختلف، بازسازی راهها و خطوط مواصلاتی و همچو همه به این کمکها گره خورد، این اگر قولها و وعده‌های داده شده عملی شوند با اینجا اینها توان با تأخیر پاشند تسامی تلاشها برای ایجاد اینده ای روشن سرای افغانستان به مخاطره خواهد افتاد. جنگ در عراق چین نگرانی را بوجود آورده ولی آنقدر که آقای کرزی دنس دولت انتقالی، اخصر ابراهیمی شاندنه سازمان مثل و جانب دکتر عبدالله وزیر امور خارجی افغانستان اندیاد امیدوار بود که تگراییهای موجود در این رابطه رفع شده باشد.

نه هر حال آنچه در مجموع می‌توان گفت این است که علی‌رغم وجود جلوه‌های متعدد در زمینه‌های چون شاکست امنیتی و اقدامات و فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی، چشم انداز اینده افغانستان همچنان ممکن به دو معضل اساسی باقی مانده است اولین مورد برقراری نظام و امنیت در سراسر افغانستان، نه حرف‌آدر کابل و جمهور آن است و دومین مورد استمرار توجه و کمکهای پس‌الملي به دولت فعلی افغانستان و همچنین دولتهای آینده این کشور است تا زمانی که به گفته رئیس دولت انتقالی: «افغانستان تهاده‌های خود را بازسازی کند، ارتش و بخش فضایی را بازسازی کند و نظامی دموکراتیک بازد و در نهایت به کشوری بدل شود که می‌تواند از متابع خود بهره برداری کند و دارای فعالیت اقتصادی باشد» (۲۰) باید امیدوار بود که مزدم افغانستان و مزدم دنیا چشمی شدن از این آزمون مهم با سریلندی گذر نماید.

فهرست مراجع:

- ۱- دیه گوکور دروز و سلیگ هارپون پشت پرده افغانستان، استاد...
- شناخت، تهران: الهدی ۱۳۷۹ می ۲۹۹

آغاز موشکسازی، کارهایی که ماهواره‌ها انجام می‌دهند

و در مدار زمین قرار دهند.
پرتاب ماهواره‌های هوایی از میانهای اول
سال ۱۹۶۵ آغاز شد، این ماهواره‌ها هنگام
گردش به دور زمین عکس‌های از آن می‌
گیرند و به صورت امواج رادیویی مخابره می‌
کنند. ماهواره‌های این توانند به شرط اینکه لوبها
توانند از خود زمین هم عکس نگیرند، این
عکس‌ها نقشه‌های دقیق از زمین را دست
می‌دهند. اگرچنان کشته‌شون در درجه ای، نوایند با
کمک بیام هایی، که از ماهواره‌ها دریافت می‌
کند موقعیت دقیق جغرافیایی اش را مستحسن
کنند.

همچنین عکس‌هایی که ماهواره‌ها می‌
گیرند و ضبط جنگل‌ها و زمین‌های زراعی را
بیز مشخص می‌کند. آن‌ها می‌توانند سلطان
آسی دیده را تعیین کنند. همچنین می‌توانند
اقیانوس‌ها و گروه‌های ماهی‌های مختلف را
مورد مطالعه قرار دهند. ماهواره‌ها همچنین می‌
توانند به قضای خارج بروند که در این صورت به
آن‌ها کاوشگری می‌گویند و تهدید کردن کرده
یه زمین است که تقریباً چهارمین هزار کیلومتر از
زمین فاصله دارد.

در سال ۱۹۷۶ کاوشگری به تزدیکی ماه
رسید و عکس‌هایی از آن سوی ماه گرفت. این
نهضتی بار بود که بشر می‌توانست ای سوی
ماه را نظره کند زیرا آن سوی ماه در عین زمان
از زمین قابل رؤیت نیست. سرانجام در سال
۱۹۸۹ (بیست و نهمین) کاوشگری مرتبتی داری بر
سطح ماه فرود آمد. تیل ارمزانگ نحسین
اتسائی بود که بر سطح دنیا بیکر قدم نمی‌داد و
پس از آن کاوشگری هادامه پیا کرد تا اسرار
که انسان به قضایی ای سیار دور از مخلومه
شمی هم دست یافته است.

با این همه از ماهواره‌ها استفاده های
بدای هم می‌شود که بک نهضت انسانهای
جانوسی است.

هارایه فنا فرستاد، مردم همچنان از موشک
های برای حمل سلاح در روی زمین استفاده می‌
کردند.

البان در طول جنگ جهانی دوم موشک
های بزرگ و پر قدرتی ساخت و در سال ۱۹۴۴
شهر تند رایانهای ساختاران کرد پس از
جنگ هم ایالات متحده و هم شوروی در سدد
برآمدند، برای گشتن فنا موشک های عظیم
سازاند در چهارم اکبر ۱۹۵۷ نخستین قمر
محلوپی زمین به وسیله یک موشک روسی
پرتاب شد این ماهواره اس بوتیک، «۱۷۰» نامیده
تذچون سرعت اسپیوتیک ۲۷۰ و سیار زیاد بود
در مداری، بینی شکل با ارتفاع حداقل ۳۲۸ و
حداکثر ۷۷۷ کیلومتر دور زمین به گردش
پرداخت. ماهواره می‌بور خود ۹۰ دقیقه بک برای
دور زمین می‌خواهد، عوچید، در سی و یک؛ [لویه
۱۹۵۸] ایالات متحده نخستین ماهواره خود به
نم اکسپلورر ۱ [کاشت ۱] را پرتاب کرد و بدین
ترتیب عصر فنا آغاز شد. حال سوال این نسبت
که ماهواره‌ها فقط به دور زمین می‌گردند و یا
اینکه کاربردهایی متفاوت دارند، در زیر به چند
نمونه از این کاربردها اشاره شده است.

ماهواره‌ها فقط دور زمین نمی‌گردند، آن
ها کارهایی بسیاری انجام می‌دهند مثلاً از سال
۱۹۵۸ به این سوی ماهواره‌های مخابراتی
بسیاری به مدار زمین فرستاده شده اند امواج
رادیویی از نقطه‌ای به سوی آن ها فرستاده می‌
شود و پس از تقویت به محلی دیگر ارسال می‌
گردد امروزه برخانه های تلویزیون و مکالمات
تلفنی را می‌توان به سهولت لغایه ای به قاره
دیگر ارسال کرد. ما می‌توانیم رسانیدهای ای
سوی سیاره خود را بالا قابل استفاده بین از وقوع بین‌
یا بشویم از سال ۱۹۸۱ شانهای فضایی به کار
گرفته شده اند. سفینه هایی به صورت موشک
که می‌توان از آن‌ها به دفقات استفاده کرد
شانهای سی توالت ماهواره‌ها را با خود حمل کنند.

ایا تا کنون اندیشه‌اید که موشک سازی
از کجا آغاز شده است؟ آغاز ایالات متحده، آغاز
گز بوده است یا اتحاد شوروی؟

در واقع موشک در کشوری اختراع شد که
اگرچنان در برخانه های فضایی چهارمین کشور
محسوب می‌شود (پس از ایالات متحده،
شوری، و ایالات فضای اروپا)، اختراع موشک
تقریباً در قرن ۱۲ میلادی یعنی خلیج پرس از
آن که اتحاد شوروی و ایالات متحده ای و وجود
دانش باند اتحام شد نخستین مارینی‌ها
بودند که استواهه هایی، مقواپس را از باروی پر
گرداند و پس از آنکه ساکمک خلیله باروی را
آتش زدند گازهای نوبل شده به عقب فشار
اوردن و در نتیجه موشک به جلو حرکت کرد
در سال ۱۶۸۷ دانشمند انگلیسی (ایراک بیوتی)
به طریق علمی شرح داد که چگونه پس از
لخته باروی موشک به جلو حرکت می‌کند.
توصیف لویه ای فانون کش و واکنش (قلنون سوم
نیون) معروف است.

در اوائل قرن نوزدهم از موشک های گاهی
در جنگ های برای حمل مواد منفجره استفاده می‌
شد بدها، تا آغاز قرن بیستم، بوخسی از
دانشمندان ای این نتیجه رسیدند که یکی از
راههای قوستاد انجام داد دانشمند روسی بود
موشک است لخستین فردی که این کار را با
 تمام جزئیات انجام داد دانشمند روسی بود
نمایم (ک. ای. نسپولکوفسکی) که در سال
۱۹۰۳ اقدام به این کار کرد. سپس دانشمندی
امریکایی به نام رابر (گوارد) این طرح را دنبال
کرد و در سال ۱۹۲۶ نخستین موشک نوع جدید
را به هوا فرستاد وی به جای باروی از سبزین و
اکسیژن مایع استفاده کرد. گوارت مدت پانزده
سال طراحی و پرتاب موشک را ادامه داد و به
تدربی موشک های پیشتری را به هوا پرتاب کرد
این در هسین زمان که کوشش می‌شد موشک
های بزرگ و پر قدرتی ساخته شود که بتوان آن